

برای آینده‌ای

ساختنی مهمی ما

پرسش و پاسخ‌هایی درباره‌ی آثار نیم‌سم

شهر شورشی  **REBEL CITY**

برای آینده‌ای ساخته‌ی همه‌ی ما

پرسش و پاسخ‌هایی درباره‌ی آنا‌رشیسم

شهر شورشی  Rebel City

REBEL CITY
needs you to
get involved
with
promoting
anarchism

and making it a
stronger force for
real social change

We do talks to school students about
anarchism, produce a news sheet
for people new to anarchism with
positive stories about people fighting
back and also publish booklets - all
designed to get more people involved
in anarchism

Get in touch with us at
londonrebelcity@gmail.com

۱. درآمد
۱۴. یک سیستم سلامت کارآمد چگونه تحت
لوای آناشسیسم اداره خواهد شد؟
۲. وضعیت کنونی ما
۱۵. اما شما چگونه با کسانی که دچار
بحران‌های روانی هستند و ممکن است برای
خود یا دیگران خطرناک باشند برخورد خواهید
کرد؟ آیا درمان اجباری خواهد بود؟
۳. پس آناشسیسم چیست؟
۱۶. شما چگونه با رفتار ضد اجتماعی، قلدری و
جرم برخورد خواهید کرد تا امنیت افراد را
تأمین کنید؟
۴. اما مگر آناشسیسم تنها به معنای هرج و مرج و
بی‌نظمی نیست؟
۵. آیا آناشسیست‌ها به دموکراسی باور دارند؟
۶. خودسازمان‌دهی غیرسلسله‌مراتبی چیست و
چرا برای آناشسیسم مهم است؟
۷. آناشسیست‌ها برای جامعه چه کرده‌اند؟
۸. تفاوت میان آناشسیسم و سوسیالیسم
چیست؟
۹. آناشسیست‌ها برای به انجام رساندن امور
چگونه در سطح محلی، ملی و جهانی سازمان‌دهی
خواهند کرد؟
۱۰. پس این یعنی کشورها وجود نخواهند
داشت؟
۱۱. آیا مردمان/جوامع قادر به حفظ هویت
فرهنگی و ملی خود خواهند بود؟
۱۲. شما چگونه صنایع بزرگی مانند نیرو و غذا را
بدون رئیس‌ها اداره خواهید کرد؟
۱۳. سامان‌دهی مسکن برای مردم چگونه
خواهد بود؟
۱۹. ما چگونه منابع را عادلانه توزیع خواهیم
کرد؟
۲۰. آیا در یک جامعه‌ی آناشسیستی پول وجود
خواهد داشت؟
۲۱. چگونه بدون پول می‌توانیم به تبادل کالا و
خدمات بپردازیم؟
۲۲. بدون پول چه چیزی افراد را به کار کردن یا
تشویق آنان به خلاقیت و نوآوری برخواهد
انگیخت؟
۲۳. آیا مردم می‌توانند مالکیت داشته باشند؟

۲۴. چه چیزی مانع انباشت منابع توسط افراد/گروه‌ها خواهد شد؟
۲۵. اگر کسی نخواست مشاغل ناخوشایند انجام دهد چه؟
۲۶. با افرادی که اساساً نمی‌خواهند کارکنند، چه کنیم؟
۲۷. افرادی که به علت سن بالا، بیماری یا معلولیت نمی‌توانند صدای خود باشند چه؟
۲۸. سیاست هویت چه؟ اگر گروه‌های مختلف حس کنند حقوق‌شان در تضاد با یکدیگر است چه؟ با اختلافات و تنازعات چگونه برخورد خواهد شد؟
۲۹. آیا آنارشیست‌ها به آزادی بیان باور دارند؟
۳۰. آیا دین جایی در جامعه‌ی آنارشیستی خواهد داشت؟
۳۱. آیا کودکان و جوانان درباره‌ی اداره‌ی جامعه حق نظر خواهند داشت؟
۳۲. آموزش و پرورش چگونه خواهد بود؟
۳۳. شما چگونه با بحران‌های آب‌وهوایی و محیط‌زیستی برخورد خواهید کرد؟
۳۴. آیا آنارشیست‌ها پژوهش علمی و توسعه‌ی تکنولوژیک را ممنوع خواهند کرد؟
۳۵. آیا خانواده‌ی هسته‌ای جایی در جامعه‌ی
- آنارشیستی خواهد داشت؟
۳۶. آیا مواد مخدر آزاد خواهند بود؟ الکل و تنباکو چه؟
۳۷. آیا رسانه/رسانه‌های اجتماعی نظارت خواهند شد؟
۳۸. چه بر سر مُد، هنر، موسیقی، فرهنگ، سرگرمی و لذت خواهد آمد؟
۳۹. اما مگر به احزاب و رهبران سیاسی نیازی نداریم تا بتوانیم تغییری ایجاد کنیم؟
۴۰. آیا نباید به جای تغییر همه چیز آنچه داریم، تدریجاً اصلاح کرد؟
۴۱. اقدام مستقیمی که مدام از آن حرف می‌زنید چیست؟
۴۲. آیا انقلاب خشونت‌آمیز خواهد بود؟ آیا حکومت‌ها هر اقدامی را برای تغییر حقیقی با زور سرکوب نخواهند کرد؟
۴۳. چگونه می‌دانیم که انقلاب به هرج و مرج و ویرانی منجر نخواهد شد؟
۴۴. چرا باید کسی از انقلابی حمایت کند که نتیجه‌اش نامشخص است؟
۴۵. چه بر سر افرادی خواهد آمد که در مقابل انقلاب آنارشیستی می‌ایستند؟
۴۶. آیا این در «طبیعت بشر» نیست که با

دیگران برای کسب بهترین‌ها برای خود و
خانواده‌اش رقابت کند؟

۴۷. آیا بیشتر مردم یک زندگی راحت نمی‌خواهند
و با تصمیم‌گیری دیگران راضی‌تر نیستند؟

۴۸. چگونه ثروتمندان را واداریم که از ثروت
خود دست بکشند؟

۴۹. قدرتمندان چه؟ چگونه آنان را به اشتراک

قدرت واداریم؟

۵۰. آیا لازم است که انقلاب در سطح جهانی رخ
دهد یا می‌تواند در مقیاسی کوچک‌تر نیز رخ
دهد؟

۵۱. آیا حقیقتاً می‌توانیم تغییری ایجاد کنیم؟

۵۲. پس از خود پرسید چگونه آینده‌ای برای
خود و جهان می‌خواهم؟

۱. درآمد

این جزوه را Rebel City، یک گروه آنارشیست ساکن لندن آماده کرده است.

ما خبرنامه‌ها و نوشته‌هایی درباره‌ی سامان‌دهی اجتماعی و آنارشیسم منتشر نموده و با هدف گفتگو با جوانان درباره‌ی نظراتمان از مدارس و کالج‌ها دیدن می‌کنیم. در حین بحث با دانش‌آموزان، پرسش‌های فراوانی پیش می‌آیند. بنابراین تصمیم گرفتیم که جزوه‌ای گرد آوریم تا به برخی از آن‌ها پاسخ دهیم. افراد بسیار مختلفی پاسخ داده‌اند و امیدواریم که بنیانی سراسر است اما متنوع از این ایده که چگونه می‌توانیم با سامان‌دهی خودمان برحسب اصول آنارشیستی جامعه‌ای بهتر بسازیم، به دست دهند.

این جزوه به سه بخش تقسیم شده است. نخست «آنارشیسم چیست؟» که ایده‌های بنیادین آنارشیسم و تفاوت آن با سایر سیستم‌ها را توضیح می‌دهد. دوم «جامعه‌ای آنارشیستی چگونه خواهد بود؟» که نشان می‌دهد آن ایده‌ها چگونه می‌توانند بر بخش‌های متفاوت جامعه اعمال شوند. بخش سوم دارای این عنوان است: «چگونه از این‌جا به آن‌جا برسیم؟». این پرسشی برای همه‌ی ماست، ما اکنون چگونه آغاز به سامان‌دهی خودمان خواهیم کرد تا بتوانیم به واقع جهانی بهتر بسازیم.

ما راهنمایی برای واژگانی که در سراسر متن مطرح شده و به شکل فونت برجسته مشخص شده‌اند در این دفترچه گنجانده‌ایم.

۲. وضعیت کنونی ما

پیش از آنکه به بحث درباره‌ی آنارشیزم پردازیم بیایید نگاهی به وضعیتی که اکنون در آنیم بیاندازیم. در انگلستان و بخش غالبی از جهان ما سطوح بالایی از فقر داریم. میلیون‌ها انسان توسط بیماری‌هایی جان می‌دهند که با داروهایی به‌غایت ارزان درمان‌شدنی هستند درحالی‌که دیگران چندین قایق تفریحی و خانه‌هایی با قیمت‌های نجومی در اختیار دارند.

نژادپرستی و جنسیت‌زدگی در سرتاسر جهان گسترش یافته است. به عده زیادی از مردم به دلیل رنگ پوست، جنس، تمایلات جنسی و جنسیت‌شان حمله می‌شود. در انگلستان میلیون‌ها انسان مجبور شده‌اند که از بانک‌های غذایی استفاده کنند و در سراسر جهان هر روز میلیون‌ها انسان در اثر گرسنگی جان خود را از دست می‌دهند. در همین حین بسیاری غذاهای مازاد روی زمین می‌پوسند چون برای سود

کسب و کارهای بزرگ بهتر آن است که بیوسند تا اینکه مردمانی از آن‌ها استفاده کنند که به دلیل فقدان غذا می‌میرند. مردم در انگلستان بین گرمادهی خانه‌اشان و غذا خوردن جبراً دست به انتخاب می‌زنند (و حتی گاهی توان تهیه‌ی هیچ‌کدام را هم ندارند). بیشتر از ۳۰٪ جمعیت جهان در سال ۲۰۲۰ از عدم امنیت غذایی رنج می‌برد و این وضعیت در حال بدتر شدن است. (تریبون World Economic, tinyurl.com/3mkenvzy)

ما در حال نابودی محیط‌زیست هستیم، با این حال شرکت‌های چندملیتی منابع طبیعی بیشتری را استخراج می‌کنند تا کالاهای بیشتری را که نیازی به آن‌ها نداریم، تولید کنند. ما هزاران تن آلودگی را به محیط‌زیست وارد می‌کنیم که منجر به گرمایش جهانی و نابودی سلامتی خود و فرزندانمان می‌شود. نظام‌های بهداشت و آموزش و پرورش ما به دلیل کمبود بودجه در حال فروپاشی‌اند.

با این حال، اَبَر ثروتمندان میلیاردها دلار خرج پرتاب سفینه‌ها به فضا می‌کنند تا تعطیلاتی بهتر از ما داشته باشند.

سرمایه‌داری و سوسیالیسم دولتی در حال مایوس کردن اکثریت قریب به اتفاق ما هستند، تا جایی که سلامتی ما را نابود کرده و میلیون‌ها نفر را به کام مرگ می‌کشانند. ما بر این باوریم که این وضعیت به وضوح نادرست است. این وضعیت تنها به نفع اقلیتی بسیار کوچک است در حالی که میلیاردها نفر از ما در حال تقلا برای بقا هستیم.

چگونه می‌توان این وضعیت را درست دانست؟ چرا ما آن را تحمل می‌کنیم؟ آیا میلیاردها نفر از ما به فقر تن داده‌ایم، چون احساس می‌کنیم که نمی‌توانیم آن را تغییر دهیم؟

سیستم فعلی فاسد است، سیستمی که برای ثروتمندان ساخته شده و به تمامی نادرست است. سیستم بهتری وجود دارد و ما آن را آنارشیزم می‌دانیم.



آنا رشیسم چیست؟



۳. پس آنارشیسم چیست؟

ما همگی در جامعه‌ای از رؤسا، سودها، مالکین و شکاف بین ثروتمندان و فقیران پرورش یافته و آموزش دیده‌ایم. این همان سرمایه‌داری است. ما می‌دانیم این سیستم چگونه کار می‌کند، جایگاه خود را در جامعه می‌دانیم و همچنین می‌دانیم که از ما چه انتظاری می‌رود. اما درباره‌ی آنارشیسم چطور؟ جامعه‌ای آنارشیستی چگونه خواهد بود؟

آنارشیست‌ها معتقدند که جامعه باید بر سه اصل بنا شود: آزادی، برابری و همبستگی (حمایت از یکدیگر)

آنارشیست‌ها باور دارند که برای شکوفایی کامل، مردم باید آزاد باشند. آزادی حقیقی تنها در جوامعی می‌تواند فراهم آید که بر اساس همبستگی داوطلبانه بنا شده باشند نه اجبار، در جوامعی که همگان برابرنند. هیچ آزادی واقعی نمی‌تواند

در جوامعی که به طبقات تقسیم شده‌اند و در آن‌ها نابرابری‌های فاحش در قدرت، ثروت و امتیاز وجود دارد، به‌وجود آید.

همبستگی و کمک متقابل به‌معنای آن است که هرگاه نیاز باشد از یکدیگر حمایت کنیم، بدون آنکه در ازای آن چیزی طلب کنیم. همچنین به‌معنای آن است که با همه برابر رفتار کنیم و روابط و ساختارهایی ایجاد کنیم که از آزادی برای همگان پشتیبانی نمایند.

ساختارها باید پاسخگو باشند. این بدین معناست که باید در مقابل اقدامات و تصمیمات خود به دیگرانی که با آن‌ها در ارتباط هستیم - همکاران، همسایگان و غیره - پاسخگو باشیم. تصمیمات از پایین به بالا اتخاذ می‌شوند، مهارت‌ها، منابع و اطلاعات به اشتراک گذاشته می‌شوند و وظایف به‌صورت چرخشی انجام می‌گیرند. در جامعه‌ای آنارشیستی مردم با تهدید یا از ترس فقر مجبور به انجام کاری نخواهند شد.

۴. اما مگر آنارشیسم تنها به معنای هرج و مرج و بی‌نظمی نیست؟

نه! این یک اشتباه رایج است که هنگام صحبت درباره‌ی آنارشیسم با مردم پیش می‌آید. این همان چیزی است که دولت و رسانه‌ها عمداً از آن استفاده می‌کنند تا آنارشیسم را برای مردم کمتر جذاب نشان دهند.

آنارشیست‌ها دولت، قدرت، برتری و سلسله‌مراتب را رد می‌کنند و معتقدند که جهان به‌خاطر سیستم‌هایی که توسط دولت و صاحبان قدرت ایجاد شده است، هم‌اکنون نیز در هرج و مرج و بی‌نظمی به‌سر می‌برد.

به دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم نگاه کنید: برای صدها سال نیمی از جمعیت در فقر زیسته‌اند. با اینکه بیش از حد کافی برای همه وجود دارد، مردم از گرسنگی جان سپرده‌اند، بی‌خانمان شده‌اند، از دسترسی به داروهای حیاتی محروم مانده‌اند، نژادپرستی را تحمل

کرده‌اند و برای منافع ثروتمندان و قدرتمندان در جنگ‌ها جنگیده‌اند.

امروز ما با تغییرات اقلیمی و انقراض گونه‌ها روبرو هستیم، تهدیدی واقعی که توسط حرص و ناتوانی به‌اصطلاح رهبران‌مان به وجود آمده است. اگر این وضعیت هرج و مرج و بی‌نظمی نیست، پس چیست؟

آنارشیست‌ها سیستم‌های مخرب امروز را با سازمان‌دهی جمعی جایگزین خواهند کرد. هر فرد این فرصت را خواهد داشت که درباره‌ی هرچه که برایش مهم است، گفتگو کند و در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت نماید.

این مهم چگونه کار می‌کند؟ برای برخی ایده‌ها درباره‌ی اینکه آنارشیسم چگونه می‌تواند به جامعه‌ای برابرتر منجر شود و جهانی هماهنگ‌تر را از طریق به‌اشتراک‌گذاری ثروت و منابع جهان خلق کند، ادامه‌ی متن را بخوانید.

**جهان در حال حاضر در هرج و مرج
و آشفتگی است**

تصور غلط رایج از یک آنارشیست معمولی



POPULAR
MISCONCEPTION
OF A TYPICAL
ANARCHIST

ACTUAL
ANARCHISTS
IN REAL
LIFE



آنارشیست‌های واقعی در زندگی واقعی

۵. آیا آنارشیست‌ها به دموکراسی باور دارند؟

اگر منظورتان از دموکراسی سیستم فعلی‌ست که گاهی از آن به‌عنوان دموکراسی نمایندگی یاد می‌شود، نه. در این سیستم شما اجازه دارید هر چهار یا پنج سال یک‌بار به تعداد محدودی از نامزدها که قرار است نماینده‌ی شما باشند، رأی دهید. در واقع، سیاستمداران عمدتاً نماینده‌ی طبقه‌ی حاکم هستند و هیچگونه پاسخگویی ندارند و به‌طور مداوم وعده‌های انتخاباتی خود را زیر پا می‌گذارند.

اما اگر منظورتان دموکراسی مستقیم است، بله. در این رویکرد مجامعی وجود دارند که همه می‌توانند در آن‌ها شرکت کنند و نظرات جمعی درباره‌ی اقداماتی که باید انجام شوند، بحث شود. این مجامع افرادی (نمایندگان) را می‌فرستند تا آن دیدگاه‌ها را در مجامع بزرگ‌تر مطرح کنند.

بنابراین تصمیمات از «پایین به بالا» (از سوی مردم) گرفته می‌شوند نه از

«بالا به پایین» (از سوی سیاستمداران منتخب). نمایندگان در موقعیتی از قدرت قرار ندارند، زیرا ما معتقدیم که قدرت فساد می‌آورد. اگر نماینده‌ای دیدگاه مجمع شما را به‌درستی نمایندگی نکند، می‌توان فوراً او را فراخواند (در همان لحظه با شخص دیگری جایگزین کرد).

در جامعه‌ای آنارشیستی تمام تصمیمات تاحدممکن نزدیک به کسانی که بیشترین تأثیر را می‌پذیرند گرفته خواهد شد، بنابراین ما مجامع محله‌ای و محل کار را به‌عنوان مکان‌هایی که تصمیمات اصلی در آن‌ها گرفته می‌شوند می‌بینیم. این مجامع سپس با مناطق و محل‌های کار همسایه در یک منطقه‌ی بزرگ‌تر گرد هم می‌آیند تا همه واقعاً در فرآیند تصمیم‌گیری نقش داشته باشند. بنابراین شما به‌طور منظم به مجمع محلی خود خواهید رفت و در آنجا درباره‌ی همه چیز، از جمع‌آوری زباله گرفته تا مسائل بزرگ جهانی، بحث خواهید کرد. همچنین گاهی به مجامع دیگر خواهید رفت تا به آن‌ها بگویید مجمع شما چه تصمیمی گرفته است.

۶. خودسازمان دهی غیر-

سلسله مراتبی چیست و چرا

برای آنارشیسم مهم است؟

به نظر می‌رسد جامعه‌ی حاضر معتقد است که ما به رهبران و حاکمان نیاز داریم، اما این دروغی ست که همان رهبران و حاکمان تبلیغ می‌کنند.

خودسازمان دهی غیرسلسله‌مراتبی به معنای آن است که نقشی مانند رهبر، رئیس یا مدیر وجود ندارد و هیچ‌گونه نقش پایین‌تری نیز وجود ندارد. در عوض، اعضای یک گروه، سازمان یا جمع (گروهی از افراد که به‌طور مشترک کار می‌کنند) همگی در نحوه‌ی اداره‌ی گروه، اهداف آن و روش‌های دستیابی به آن‌ها نظر

برابری دارند. انواع مختلف گروه‌ها می‌توانند خودسازمان دهی کنند: مثلاً یک تعاونی غذایی محلی که گروهی از افراد گرد هم می‌آیند و غذا را به صورت عمده خریداری و بین خود تقسیم می‌کنند، یا کارگرانی که رؤسای خود را کنار می‌گذارند و کارخانه‌هایشان را خود اداره می‌کنند.

با وجود اینکه ممکن است نقش‌های تخصصی وجود داشته باشد، هیچ‌کدام از نقش‌ها مهم‌تر از دیگری نیستند، زیرا هر شغل برای عملکرد صحیح گروه ضروری است. بسیاری از سازمان‌های غیر-سلسله‌مراتبی سعی می‌کنند نقش‌ها را به‌طور دوره‌ای بچرخانند تا افراد تنها برای مدت معینی در جایگاه خود بمانند و



سپس نقش را به شخص دیگری بسپارند. این بدین معناست که بسیاری از افراد مهارت‌ها، دانش و تجربه‌های لازم را برای حفظ عملکرد روان سازمان توسعه می‌دهند و این یکی از روش‌های جلوگیری از جایگزین نشدن افراد است. هنگامی که کسی - یا گروهی - از دیگران مهم‌تر می‌شود، شما در مسیر تبدیل رهبران به حاکمان و بازگشت به همان ستم و بهره‌کشی هستید که می‌خواهیم بدان پایان دهیم.

بحث‌ها درباره‌ی چگونگی عملکرد گروه در مجمع یا جلسه‌ی گروهی تصمیم‌گیری می‌شود که در آن جای همه‌ی افراد درگیر محفوظ و نظر برابری دارند. تصمیمات معمولاً با اجماع گرفته می‌شوند تا همه در نحوه‌ی اداره‌ی امور سهم عادلانه‌ای داشته باشند و بار کار به‌طور مساوی تقسیم شود. این همچنین به این معناست که افرادی که کار را انجام می‌دهند نیز در مدیریت سازمان نظارت دارند و مسئولیت جمعی و مالکیت نتایج را تشویق می‌کند.

در مسائل جنجالی یا فوری، گروه‌های مختلف ممکن است دستورالعمل‌های متفاوتی داشته باشند که به آن‌ها اجازه می‌دهد بدون اجماع کامل تصمیم‌گیری کنند. اما این دستورالعمل‌ها در ابتدای کار و با توافق همه تهیه می‌شوند. به این ترتیب، همه در یک گروه یا محل کار پیش از وقوع مسائل، در نحوه‌ی تصمیم‌گیری درباره‌ی آن‌ها سهم خواهند داشت. برای اطلاعات بیشتر و یک مثال جهانی واقعی، به tinyurl.com/589evzyu مراجعه کنید.

هر جا کارگران مبارزه کرده باشند، آنارشویست‌ها از آنها پشتیبانی کرده‌اند

در اسپانیا کارگران کارخانه‌ها را اداره می‌کردند

۷. آنارشویست‌ها برای جامعه

چه کرده‌اند؟

در دوره‌های تخصصی، آنارشویست‌ها ایده‌های خود را به عمل می‌گذارند. آن‌ها در ایجاد و دفاع از مبارزات کارگران که شامل اشغال کارخانه‌ها و زمین‌ها می‌شود، شرکت می‌کنند. آن‌ها همچنین به تأمین غذا، مسکن، خدمات بهداشتی و سایر نیازهای ضروری کمک می‌کنند. با نگاه به تاریخ، می‌بینیم که آنارشویست‌ها در قیام‌های کمون پاریس در سال ۱۸۷۱، انقلاب‌های روسیه در سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷، آلمان و مجارستان در سال ۱۹۱۸، اسپانیا در سال ۱۹۳۶ و مجارستان در سال ۱۹۵۶ بسیار فعال بوده‌اند.

سه رویداد صریحاً آنارشویستی عبارت بودند از:

- اوکراین از ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱، با اشغال و بازتوزیع زمین و شوراهای تحت مدیریت دهقانان.

- منطقه آنارشویستی منچوری از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱، در شمال شرق چین کنونی، جایی که فروشگاه‌هایی که در آن‌ها همه چیز رایگان بود، و تعاونی‌های کارگران و دهقانان وجود داشت. همچنین علاوه بر مجامع منطقه‌ای، مدارس در سراسر مناطق تحت کنترل آن‌ها تأسیس شدند.

- اسپانیا ۱۹۳۶، که در آن کارگران کارخانه‌ها، حمل و نقل و توزیع غذا را به‌ویژه در کاتالونیا اداره می‌کردند. در مناطق روستایی، دهقانان مسئولیت زمین‌ها را به‌عهده گرفته و آن‌ها را سازماندهی کرده و آنچه را که جمعی تولید کرده بودند به اشتراک می‌گذاشتند و مازاد را به شهرها منتقل



می کردند. تمامی این موارد نگاهی به آنچه جامعه‌ای جدید چگونه خواهد بود به دست می دهند.

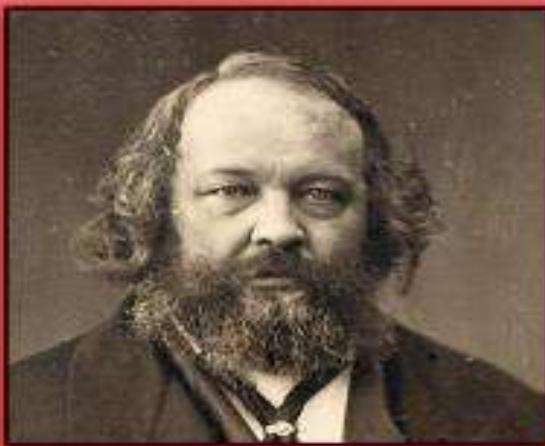
امروز مواردی مانند تعاونی‌های مسکن و کارگران نمونه‌های خوبی از دموکراسی مستقیم هستند. کسانی که با هم زندگی می کنند یا کارگران یک محل کار، همان‌هایی هستند که تمام تصمیمات را اتخاذ می کنند.

تصمیم‌گیری غیرسلسله‌مراتبی از شیوه‌های سازمان‌دهی آنارشیستی ناشی شده و به معنای آن است که همه به طور برابر در اتخاذ تصمیمات مشارکت دارند. این روش‌ها اکنون به طور گسترده‌ای استفاده می شوند. آنارشیست‌ها همچنین بدین پرداخته‌اند که چگونه و چه زمانی

بهرتر است به جای رأی‌گیری ساده‌ی اکثریت از تصمیم‌گیری با اجماع (جایی که همه باید پیش از اتخاذ تصمیم، توافق کنند) استفاده شود.

در هر مکان و به هر نحوی که کارگران برای خود مبارزه کرده‌اند، آنارشیست‌ها از آنان حمایت کرده‌اند، بدون اینکه تلاش کنند تا آنان را هدایت یا بر جریان تسلط پیدا کنند.

**مردم به تنهایی و بدون رهبرها
کاملاً قادر به سازماندهی جامعه
هستند**



**"We are convinced
that liberty without
socialism is privilege
and injustice;
and that socialism
without liberty is
slavery and brutality"**

~ Mikhail Bakunin ~

۸. تفاوت میان آنارشیسم و سوسیالیسم چیست؟

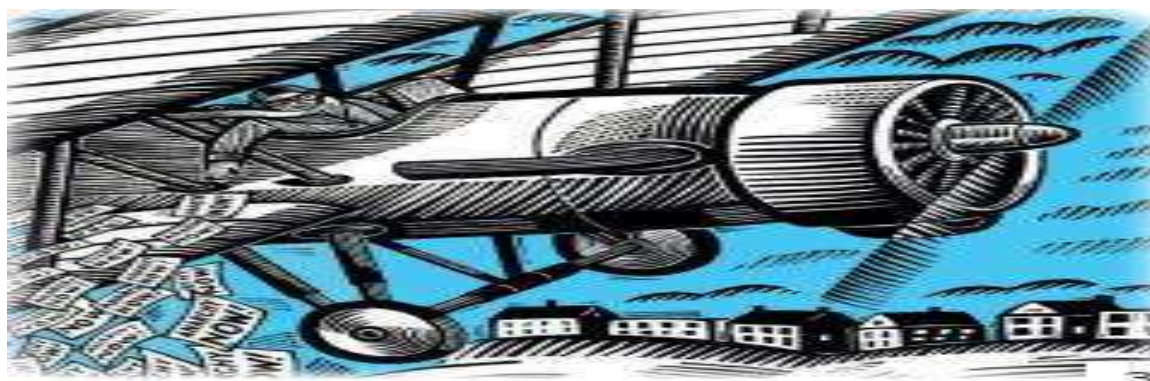
آنارشیسم، سوسیالیسم و کمونیسم از جهات بسیاری مشابه هستند. در واقع، در ابتدا هیچ تفاوتی بین آن‌ها وجود نداشت. همه‌ی این‌ها از جنبش کارگران اواخر قرن نوزدهم برآمده‌اند که هدف آن ایجاد جامعه‌ای متفاوت از سرمایه‌داری موجود بود. هدف ساخت جامعه‌ای بود که در آن همه چیز به‌طور مشترک در اختیار باشد و همه برابر بوده و محصولات کار خود را به‌طور عادلانه تقسیم کنند.

تفاوت‌ها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توسعه یافت و منجر به دیدگاه‌های سیاسی مختلف شد. یکی از این دیدگاه‌ها سوسیالیسم/کمونیسم اقتدارگرا و

دیگری کمونیسم/سوسیالیسم آزادی‌خواه بود، دومی اغلب به سادگی تحت عنوان آنارشیسم شناخته می‌شود.

آنارشیست‌ها معتقدند که انقلاب زمانی رخ خواهد داد که مردم گرد هم آمده و جامعه را برای منافع همه سازمان‌دهی کنند. این رویکرد جامعه‌ی کنونی را به‌تمامی به جامعه‌ای تغییر خواهد داد که همه نیازهای خود را تأمین کنند و در این فرایند سرمایه‌داری نیز نابود خواهد شد. مردم بدون نیاز به رهبران، خود به‌طور کامل قادر به سازمان‌دهی جامعه هستند.

سوسیالیست‌ها و کمونیست‌های اقتدارگرا معتقدند که تغییر تنها با رهبری مناسب - یعنی خود آن‌ها! - ممکن است.



یک جامعه‌ی آنارشستی چگونه خواهد بود؟



۹. آناشسیته‌ها برای به انجام رساندن امور چگونه در سطح محلی، ملی و جهانی سازمان‌دهی خواهند کرد؟

همان‌طور که در بخش ۶ اشاره شد، شیوه‌های ترجیحی سازمان‌دهی آناشسیته‌ها خودسازمان‌دهی یا سازمان‌دهی غیرسلسله‌مراتبی است. اصطلاح دیگری که ما گاهی استفاده می‌کنیم، دموکراسی مشارکتی است. همچنین پیش‌تر به تصمیم‌گیری با اجماع اشاره کرده‌ایم. در تمامی این موارد، هر فرد تحت تأثیر وضعیت، سهم عادلانه‌ای در تصمیم‌گیری دارد و تصمیمات به‌وسیله‌ی همه‌ی افراد درگیر اتخاذ می‌شود.

برای سازمان‌دهی عملی، یکی از روش‌ها می‌تواند به شرح زیر باشد: هر خیابان یا محله دارای مجمعی است که تصمیمات را برای آن خیابان یا محله اتخاذ می‌کند. تعدادی از این مجامع که در نزدیکی یکدیگر هستند، سپس تعدادی از این مجامع گرد هم آمده و تصمیمات را برای منطقه‌ی وسیع‌تری اتخاذ می‌کنند. همه نمی‌توانند یا نمی‌خواهند شرکت کنند،

بنابراین هر خیابان/محله نماینده‌ای را برای نمایندگی خود انتخاب می‌کند. هر منطقه همچنین نماینده‌ای برای جلسه‌ی منطقه‌ای بزرگ‌تر (این جلسات می‌توانند از ابزارهای ارتباط الکترونیکی استفاده کنند اگر دیدار حضوری عملی نباشد) و به همین ترتیب تا رسیدن به سطوح (آنچه ما اکنون) ملی یا بین‌المللی می‌نامیم، انتخاب می‌کند.

به همین ترتیب، هر محل کار، فروشگاه، مرکز اجتماعی یا گروه نیز تصمیمات مرتبط با خود را اتخاذ می‌کند. برای مثال، در یک مرکز اجتماعی، کارکنان تصمیمات مربوط به نحوه‌ی اداره‌ی آن را می‌گیرند. آن‌ها همچنین با سایر مراکز اجتماعی محلی، و احتمالاً ملی و بین‌المللی دیدار خواهند کرد. آن‌ها همچنین با سایر محل‌های کار، فروشگاه‌ها و مجامع خیابانی ملاقات خواهند کرد تا انتظارتشان از مرکز اجتماعی را بررسی کنند و بالعکس.

این روند امروزه نیز وجود دارد، فقط طبقه‌ی حاکم است که این تصمیمات را می‌گیرد و ما حق اظهار نظر نداریم. راه‌های بسیار دیگری نیز برای سازمان‌دهی در یک جامعه‌ی آناشسیستی وجود دارد. آنچه گفته شد تنها یکی از نمونه‌های ممکن است.

۱۰. پس این یعنی کشورها وجود نخواهند داشت؟

بله دقیقاً!

مرزها تنها خطوطی هستند که بر روی نقشه‌ی جهان برای تفکیک کشورها کشیده شده‌اند و در طول تاریخ، بسته به اینکه چه کسی در قدرت است، تغییر کرده‌اند. مرزها بارها تغییر کرده‌اند وقتی که یک رهبر، معمولاً از طریق زور زمین را از دیگری می‌گیرد. این مرزها اغلب بی‌رحمانه هستند، زیرا خانواده‌ها و جوامع کامل تکه‌پاره شده و تحت کشورهای مختلف از یکدیگر جدا می‌شوند.

مرزها برای کسانی که در قدرت هستند مفیداند زیرا حکمرانان متمایز قوانینی برای سرکوب مردم عادی در «کشور»

خود وضع می‌کنند. همچنین برای حکمرانان مفید است که مردم عادی را به حمایت از خود متقاعد کنند، آن‌ها ادعا می‌کنند که همه‌ی ما بخشی از یک «کشور» همسان هستیم. این امر ناسیونالیسم را پرورش می‌دهد زیرا ما فریب می‌خوریم تا باور کنیم که با مردم کشورهای دیگر تفاوت داریم و برتر هستیم که غالباً این فریب منجر به تخاصم و جنگ می‌شود.

ما نمی‌گوییم که نباید زبان‌ها، آداب و رسوم و سنت‌های مختلفی که با آن‌ها بزرگ شده‌ایم وجود داشته باشند. در واقع، بدون مرزها و کشورهای جداگانه، برای مردم آسان‌تر خواهد بود که تصمیم بگیرند چگونه و با چه کسانی می‌خواهند در



۱۱. آیا مردمان/جوامع قادر به حفظ هویت فرهنگی و ملی خود خواهند بود؟

آنارشپیست‌ها با هویت‌های ملی و مرزها موافق نیستند، چون ما فکر می‌کنیم که این‌ها منجر به تخصم، روابط قدرت و تقسیم‌بندی ما بر اساس خطوط کاذب می‌شود. به‌هرحال، بیشتر ملت‌ها از طریق جنگ‌ها، تصرفات اراضی و خطوطی که در کنفرانس‌های بین‌المللی توسط ثروتمندان و قدرتمندان برای منافع شخصی‌اشان بر روی نقشه‌ها کشیده شده، به‌وجود آمده‌اند. «من بریتانیایی هستم» (برای مثال) برای ما معنای چندانی ندارد و در شرایط فعلی، بسیاری از مردم احساس می‌کنند که متعلق به جایی نیستند. چرا باید کسی بخواهد چنین احساسی داشته باشد؟

تحت آنارشپیسم، با از میان رفتن مرزهای ملی، ما انتظار داریم که مردم به هر نقطه از جهان که بخواهند سفر کنند و هر جایی که

هم آموزند. همچنین بدون رهبران و کشورها، مردم قادر خواهند بود سنت‌های محلی خود را حفظ کنند، بر خلاف بسیاری از نقاط جهان امروز که در آن زبان‌ها و آداب محلی ممنوع شده و قوانین ملی بر شما تحمیل می‌شود.

ما یک سیاره داریم و آنارشپیست‌ها معتقد نیستند که این خانه باید به بخش‌های کوچک تقسیم شود و شما تنها جایی که به شما گفته می‌شود زندگی کنید. آنارشپیست‌ها بر این باورند که مردم باید قادر باشند به‌طور آزاد در سراسر جهان حرکت کنند و در هر جایی که می‌خواهند زندگی کنند، بدون نیاز به کشورهای مختلف و مرزهای آن‌ها.

شما همچنین باید بتوانید به هر کسی که می‌خواهید عشق بورزید و با هر کسی که می‌خواهید زندگی کنید. این امر اغلب با وجود کشورهای مختلف ممکن نیست، زیرا معمولاً باید در «کشور خود» زندگی کنید و از قوانین آن پیروی کنید.

**یک جهان وجود دارد و
آنارشپیست‌ها با تقسیم شدن آن
موافق نیستند**

۱۲. شما چگونه صنایع بزرگی مانند نیرو و غذا را بدون رئیس‌ها اداره خواهید کرد؟

اگرچه اینگونه به نظر نمی‌رسد، اما در اکثر مواقع صنایع بزرگ توسط کارگران اداره می‌شوند، به این معنی که این ما هستیم که بیشتر کارها را انجام می‌دهیم. تنها چیزی که وجود دارد این است که در حال حاضر شغل‌های رؤسا مهم‌تر دیده می‌شوند و درآمد بسیار بیشتری دریافت می‌کنند. کسانی که در بالاترین سطوح هستند، تمام اعتبار را دریافت می‌کنند در حالی که در واقع صدها نفر هستند که باعث می‌شوند تا سازمان به خوبی کار کند. بیمارستان‌ها، مقامات محلی، حمل و نقل و بله، صنایع نیرو و توزیع غذا، زمانی بهترین عملکرد را دارند که کارگران در کنترل باشند. در حقیقت رئیس‌ها می‌توانند اوضاع را بدتر کنند زیرا بیشتر از منفعت جامعه به سود خود فکر می‌کنند.

خواستند ساکن شوند. ما امیدواریم که همه خود را به عنوان بخشی از «نسل بشر» ببینند، نه به عنوان بریتانیایی، کوبایی، نیجریه‌ای یا هر ملیت دیگری.

هویت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی می‌توانند متفاوت باشند. این‌ها چیزهایی هستند که همه‌ی ما در طول نسل‌ها با آن‌ها بزرگ شده‌ایم و تاریخ‌ها را زنده نگه می‌دارند. تا زمانی که این آداب و هویت‌ها سرکوبگر نباشند و کسی را استثمار نکنند، دلیلی نمی‌بینیم که چرا نباید ادامه یابند.

اما در نهایت، هر منطقه‌ای باید تصمیم بگیرد که چه چیزی را برای خود می‌خواهد. با این حال، اگر رسوم سرکوبگرانه‌ای تحمیل شوند، ما انتظار داریم که مردم یا به منطقه‌ای بروند که احساس کنند در آنجا بهتر جای می‌گیرند، یا بمانند و دلیل بیاورند که چرا رسوم سرکوبگرانه باید متوقف شوند.

یک روش برای سازمان‌دهی تولید و توزیع انرژی این است که هر محل کار کمیته‌ها یا گروه‌های کارخانه‌ای خود را داشته باشد، جایی که همه‌ی افراد در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند. افراد محلی که در کارخانه کار نمی‌کنند، نیز ممکن است نظرات خود را به نمایندگی از جامعه محلی در برخی مسائل ارائه دهند. سپس کارگران ممکن است با دیگر کارخانه‌ها در مقیاس وسیع‌تری، اما همچنان در سطح نسبتاً محلی، برای تصمیم‌گیری در مورد نیازهای آن منطقه گرد هم آیند.

این گروه‌های محلی می‌توانند سپس به‌طور ملی (و بین‌المللی) به یکدیگر پیوندند تا تولید، تأمین و توزیع را مدیریت کنند. این امر اطمینان

می‌دهد که هر منطقه به میزان کافی به آنچه نیاز دارد دسترسی داشته باشد. افرادی را همکارانشان انتخاب خواهند کرد تا با افراد دیگر در کارخانه‌های مشابه در سایر مناطق همکاری کنند. اما همچنین افرادی وجود خواهند داشت که با صنایع متفاوت دیگر و سازمان‌های اجتماعی محلی در منطقه همکاری کنند تا تأمین و توزیع به‌درستی در سطح محلی نیز سازمان‌دهی شود.

بیاید به یاد داشته باشیم که ما در واقع همین کارها را اکنون نیز انجام می‌دهیم. تمام آن چه ما پیشنهاد می‌کنیم این است که این کارها را بدون حضور رئیس‌هایی که همیشه از بالا به ما نگاه می‌کنند، انجام دهیم.



۱۳. سامان‌دهی مسکن برای مردم چگونه خواهد بود؟

بسیاری از ما اکنون در خانه‌هایی زندگی می‌کنیم که بسیار کوچک هستند یا نیاز به تعمیر زیاد دارند. اکثر ما نگران این هستیم که چگونه اجاره یا وام مسکن خود را پرداخت کنیم و آیا خانه‌امان را از دست خواهیم داد یا نه. هزاران نفر از ما بی‌خانمان یا در مسکن‌های موقت زندگی می‌کنیم. در همین حال، صاحبان املاک از این وضعیت به‌عنوان یک طرح سریع برای ثروتمند شدن استفاده می‌کنند. برخی افراد دارای خانه‌های دوم یا حتی سوم هستند. خانه‌ها به‌مثابه یک سرمایه‌گذاری خالی رها می‌شوند یا

به‌عنوان مکان‌های تعطیلات یا Airbnb اجاره داده می‌شوند تا حتی سود بیشتری تولید کنند.

در یک جامعه آنارشیستی، تمام مسکن‌ها برای زندگی استفاده خواهند شد، نه برای کسب درآمد. هر کسی خانه‌ای با کیفیت خوب، گرم و امن با فضای کافی برای تمام اعضای خانواده‌اش خواهد داشت.

در کوتاه‌مدت، می‌توانیم با تصاحب خانه‌های خالی، خانه‌های دوم، خانه‌های تعطیلات و Airbnb‌ها شروع کنیم و آنها را به افرادی که به آنها نیاز دارند، بدهیم. می‌توانیم از کاخ‌های بزرگ برخی افراد استفاده کنیم و آنها را به خانواده‌های بزرگ یا مسکن‌های جمعی (جایی که افراد



نیازهای مسکن خود را به طور جمعی سازمان دهی می کنند) اختصاص دهیم.

در بلندمدت، مسکن تحت مالکیت جمعی خواهد بود. هر محله یا خیابان می تواند نمایندگی خود را داشته باشد که همه ی ساکنان آن در نحوه ی تقسیم مسکن سهیم خواهند بود. شاید تمام خیابان های یک منطقه با هم ملاقات کنند تا یکدیگر را حمایت کنند و به طور گسترده تری برای تعمیرات و ساخت خانه های جدید برنامه ریزی کنند. اگر بخواهیم در منطقه ای دیگر زندگی کنیم یا به خانه ای با اندازه ی متفاوت نیاز داشته باشیم، می توان یک وبسایت ایجاد کرد که در آن خانه ها را مبادله کنیم.

این ها تنها برخی از ایده ها هستند. راه های بسیار بهتری نسبت به سیستم فاسد کنونی که در آن سود بر نیازهای مردم مقدم است، برای سازمان دهی مسکن وجود دارد. چگونه مطمئن می شوید که هر کسی خانه ای مناسب دارد؟

۱۴. یک سیستم سلامت کارآمد چگونه تحت لوای آنارشیسم اداره خواهد شد؟

در جامعه ای آنارشیستی، مراقبت از خود و یکدیگر مبنای جامعه خواهد بود. مردم عموماً تمایل دارند مهارت هایی را بیاموزند که به آنها امکان دهد تا غذا بخورند، مسکن فراهم کنند و به سلامت خود رسیدگی کنند؛ یک جامعه آنارشیستی این امور را تسهیل خواهد کرد. جمعیت های بهداشتی دموکراتیک (گروهی از افراد که با هم کار می کنند) شامل پزشکان و پرستاران آموزش دیده می توانند دانش پزشکی و مهارت های پرستاری را در سراسر جامعه به اشتراک بگذارند. به عنوان بخشی از تحصیلات و آموزش های مداوم محل کار هر فرد می تواند کمک های اولیه را یاد بگیرد و نحوه ی درمان برخی بیماری ها و آسیب ها را بیاموزد و به طور ایمن از منابع در دسترس (مانند گیاهان دارویی و داروها) استفاده کند.

جسمی و روانی نیز بهبود خواهد یافت.



سلامت همچنین به تغذیه مناسب وابسته است. جوامع غذا را نه برای سود، بلکه برای تأمین رژیم‌های غذایی سالم و پایدار تولید خواهند کرد و این احتمالاً منجر به کاهش بسیاری از بیماری‌های پیشگیری‌شدنی مانند دیابت، بیماری‌های قلبی و مشکلات دندان خواهد شد. بسیاری از بیماری‌های در پیوند با فقر و محرومیت به‌طور چشمگیری کاهش خواهند یافت.

جوامع بر اساس نیازهای محلی‌اشان تصمیم خواهند گرفت که منابع خود را به کدامین تأسیسات پزشکی، تحقیقاتی و آموزشی اختصاص دهند. هنگامی که مردم به‌خوبی مطلع باشند، می‌توانند با جمعیت‌های پزشکی خود تصمیم بگیرند که بهترین درمان‌ها برای آن‌ها چیست. با آموزش و حمایت جمعی، تغذیه‌ی مناسب، ساختار اجتماعی بهبودیافته و کاهش آلودگی، سلامت

۱۵. اما شما چگونه با کسانی که دچار بحران‌های روانی هستند و ممکن است برای خود یا دیگران خطرناک باشند برخورد خواهید کرد؟ آیا درمان اجباری خواهد بود؟

بله، یک جامعه ممکن است تصمیم بگیرد که درمان اجباری مجاز باشد، اما این موضوع با جدیت بیشتری در نظر گرفته خواهد شد و بسیار شفاف‌تر خواهد بود.

اگر شما در یک بحران سلامت روان بودید و اطرافیان‌تان نگران بودند که ممکن است به خود یا دیگران آسیب برسانید، چگونه دوست داشتید درمان شوید؟ آیا آماده‌اید که به‌طور موقت بخشی از آزادی خود را فدای دریافت پشتیبانی و مراقبت‌های لازم برای بهبودی و رهایی از این تمایلات آسیب‌زا کنید؟

یا آیا می‌خواهید اجازه داشته باشید که به خود یا دیگران آسیب برسانید؟ آیا انتظار دارید که مسئول رفتار‌تان دانسته شوید اگر کسی تلاش نکرد تا شما را متوقف یا پشتیبانی کند؟ و اگر شما به‌طور موقت آزادی کسی دیگر را

محدود کنید (چه از طریق محدودیت فیزیکی یا داروهای سنگین)، چگونه می‌توانید این کار را به‌صورت مسئولانه و منصفانه انجام دهید؟

چگونه می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که خود این محدودیت آزادی آسیب‌زا نشود؟

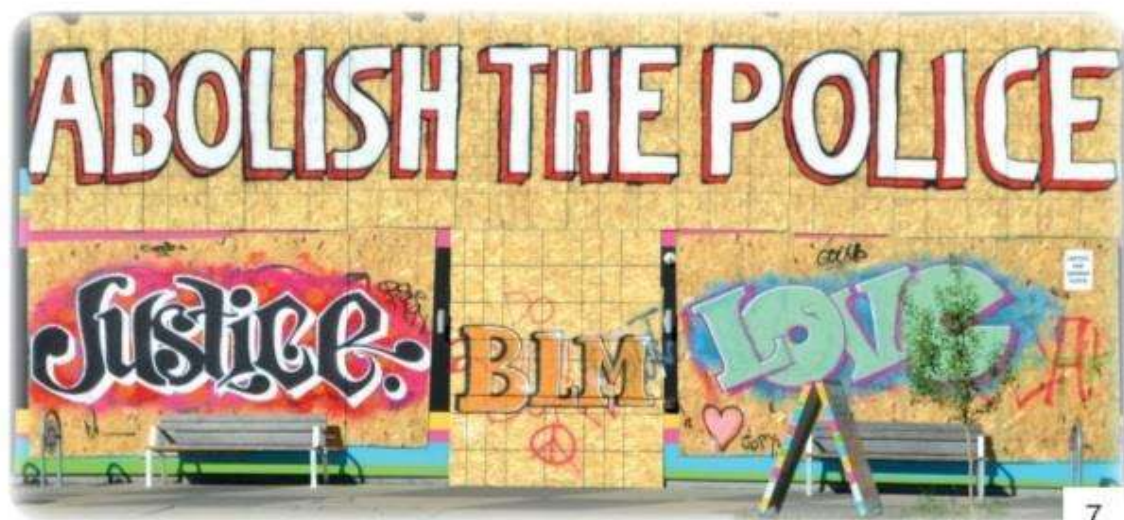
افرادی که به خود یا دیگران آسیب می‌زنند، اغلب پس از وقوع آن احساس شرمندگی می‌کنند. این احساس شرمندگی می‌تواند نگرانی‌های موجود در زمینه سلامت روان را تشدید کرده و به رفتارهای آسیب‌رسان بیشتری منجر شود. بنابراین، متقابلاً به نفع ماست که تا حد امکان از افراد پشتیبانی کنیم تا از وقوع اعمال آسیب‌رسان جلوگیری کرده و به آن‌ها در بهبودی پس از بحران کمک کنیم. این به معنای عمل در همبستگی با فرد و تلاش برای درک آنچه که به بحران سلامت روان منجر شده است و همکاری برای ایجاد شرایطی است که فرد بتواند به خوبی رشد کند. مهم است به یاد داشته باشیم ممکن است فردی که در بحران است همچنین چیزهایی را به ما درباره‌ی شرایطی که آن‌ها و ما در آن زندگی می‌کنیم بیاموزد، زیرا بحران‌های سلامت روان در خلأ به وجود نمی‌آیند.

۱۶. شما چگونه با رفتار ضداجتماعی، قلدری و جرم برخورد خواهید کرد تا امنیت افراد را تأمین کنید؟

اگر به زمانی فکر کنید که رفتار ضداجتماعی داشتید یا می‌خواستید داشته باشید، چه چیزی شما را متوقف کرد؟ و اگر به زمانی فکر کنید که کسی به‌طور ضداجتماعی با شما رفتار کرد، چه چیزی باعث می‌شد احساس امنیت کنید؟ چه در این جامعه و چه در یک جامعه آنارشیستی، اگر به‌طور جمعی تصمیم بگیریم که موقتاً آزادی فردی را محدود کنیم تا نتواند به رفتار ضداجتماعی ادامه دهد، چه چیزی تضمین می‌کند که افرادی که

محدودیت را اعمال می‌کنند، مسئولیت‌پذیر باشند؟ اگر این شما بودید که آزادی‌اتان محدود می‌شد، چه چیزی باعث می‌شد احساس کنید که این عمل منصفانه است؟ و چه نوع پشتیبانی باید به فردی که آسیب دیده ارائه دهیم؟

برای مقابله با رفتار ضداجتماعی، ایده‌های زیادی برای عدالت «جایگزین» وجود دارد که در آن همه‌ی افرادی که تحت تأثیر رفتار ضداجتماعی قرار گرفته‌اند، با هم برای رسیدگی به آن همکاری می‌کنند. با عدالت ترمیمی، متهمان باید گناه خود را بپذیرند و تلاش کنند تا اعمال خود را جبران کنند. عدالت تحول‌گرا به‌دنبال تغییر جامعه و همچنین



۱۲. با قاتلان، متجاوزان و پدوفیل‌ها چه خواهید کرد؟

برای حل یک مشکل، دانستن علت آن مفید است. چه عواملی باعث می‌شوند که افراد دست به قتل، تجاوز یا سوءاستفاده از کودکان بزنند؟

مطالعات متعدد نشان می‌دهند که هرچه نابرابری اقتصادی بیشتر باشد، جامعه خشن‌تر می‌شود. بی‌توجهی به کودکان، سوءاستفاده، فقر و محرومیت می‌توانند به رفتارهای خصمانه منجر شوند. سوءمصرف مواد، آسیب‌های جسمی و روانی و مشکلات سلامت روان نیز می‌توانند مؤثر باشند. (tinyurl.com/yc3bkvxs)

جامعه‌ای که بر مبنای اصول آنارشیستی اداره می‌شود و بدون نابرابری‌های اقتصادی است، احتمالاً دارای سطح خشونت کمتری خواهد بود. آموزش دسترس‌پذیر در طول عمر، شامل پشتیبانی روان‌شناختی و آموزش عاطفی از سنین پایین،

افراد درگیر است. این رویکرد تلاش می‌کند تا دلیل قربانی شدن فرد را پیدا کرده، از آن‌ها پشتیبانی کند و از مجرم بخواهد تا خود را تغییر دهد. این با ایده «مدارهای پشتیبانی» همسو است، جایی که افرادی که رفتارهای ضداجتماعی و خشونت‌آمیز داشته‌اند، پشتیبانی جدی دریافت کرده و انتظار می‌رود که مهارت‌های لازم برای مقابله با هرگونه تمایل به ارتکاب چنین اعمالی را توسعه دهند.

اجتماعات مختلف در یک جامعه‌ی آنارشیستی ممکن است نسخه‌های مختلفی از این رویکردها را امتحان کنند یا ایده‌های دیگری را آزمایش کنند.

جامعه‌ای که بر اساس اصول آنارشیستی اداره می‌شود، احتمالاً سطح خشونت پایین‌تری خواهد داشت

ایده‌های زیادی برای عدالت "جایگزین" وجود دارند

اشتغال داوطلبانه بر اساس علاقه و توانایی، و مسئولیت جمعی مناسب برای پرورش کودکان، مراقبت صحیح از افراد با مشکلات سلامت روان و پشتیبانی اجتماعی برای کسانی که با مسائل مواد مخدر و الکل دست و پنجه نرم می‌کنند؛ تمامی این‌ها می‌تواند به رفع بسیاری از علل جرم‌های خشونت‌آمیز کمک کند.

تجاوز و تهاجم جنسی از نیاز به تسلط و قدرت بر کسانی که ضعیف‌تر یا آسیب‌پذیرتر هستند ناشی می‌شود. مرتکبین اغلب شاهد یا تجربه‌کننده‌ی سوءاستفاده بوده و این سوءاستفاده را تکرار می‌کنند. فراهم کردن امکان داشتن صدای برابر و کنترل بر زندگی و بدن خود، می‌تواند مانع از انقیاد افراد و سوءاستفاده از آنان شود. بازپروری و پشتیبانی روان‌شناختی از متهمان و بازماندگان کمک می‌کند تا چرخه‌های سوءاستفاده شکسته شوند.

حتی زمانی که ما نابرابری‌ها و مشکلات اجتماعی و اقتصادی را برطرف کنیم، ممکن است هنوز

افرادی وجود داشته باشند که تهدیدی برای دیگران باشند. ما همه‌ی پاسخ‌ها را نداریم و در آینده، جوامع ممکن است نیاز به امتحان رویکردهای مختلف داشته باشند. گاهی اوقات ممکن است نیاز باشد که افراد خطرناک به‌گونه‌ای پشتیبانی شوند که نتوانند به دیگران آسیب برسانند. با این حال، ما معتقدیم که اکثر جرم‌های خشونت‌آمیز به نابرابری، محرومیت، مشکلات اجتماعی، پزشکی یا روان‌شناختی مربوط می‌شوند. هنگامی که این مسائل برطرف شوند، همانطور که در یک جامعه آنا‌رشیستی خواهند شد، احتمالاً وجود افرادی که به طور مداوم خشونت‌ورز یا خطرناک هستند، نادر خواهد بود.



۱۸. بنابراین شما باید از شر زندان‌ها و پلیس خلاص شوید؟ اما این چگونه عملی خواهد بود؟

آنارشیست‌ها معتقدند که جامعه‌ی آینده بدون نیروهای پلیس بسیار بهتر خواهد بود. درنهایت کار پلیس این است که کسی را پس از وقوع جرم دستگیر کند و به ندرت قادر به جلوگیری از وقوع جرم است. همچنین، پلیس به عنوان بازدارنده از فعالیت‌های غیرقانونی چندان مؤثر

نیست. ما توسط پلیس، دولت و رسانه‌های تجاری فریب داده شده‌ایم تا فکر کنیم آن‌ها بخش حیاتی از جوامع ما هستند.

بسیاری از افرادی که در زندان هستند، به خاطر جرایم مرتبط با فقر (سرقت، دزدی از فروشگاه، مواد مخدر و غیره) به زندان افتاده‌اند. پلیس، زندان‌ها و دادگاه‌ها بازوهای دولت هستند و برای حفظ امنیت دولت طراحی شده‌اند. آن‌ها عموماً علیه مردم عادی به کار گرفته



می‌شوند نه به نفع آن‌ها. به همین دلیل، به آن‌ها به عنوان «ارتش اشغالگر» نیز اشاره شده است. حتی زمانی که به نظر می‌رسد پلیس به ما کمک می‌کند (مثل دستگیری یک قاتل)، این کمک به دلیل نیاز دولت به باور ما به آن‌ها است نه برای منفعت ما.

در یک جامعه‌ی آنارشیستی، پول یا فقر وجود نخواهد داشت، بنابراین اکثریت قریب به اتفاق جرایم ناپدید خواهند شد. با وجود جوامع قوی که از یکدیگر پشتیبانی می‌کنند، مردم احساس بیگانگی نخواهند کرد، با اطرافیان خود آشنا خواهند بود و کمتر احتمال دارد به یکدیگر آسیب بزنند و سرقت کنند. زمانی که اختلافی پیش می‌آید، جوامع محلی قبل از اینکه مسئله حاد شود، وارد عمل خواهند شد. تمام کسانی که درگیر هستند و اعضای جامعه مشترکاً مسائل خود را بررسی کرده و تلاش خواهند کرد به توافقی دست یابند که برای همه قابل قبول باشد. همه چیز

عیان، شفاف و تحت کنترل همه‌ی ما خواهد بود.

افرادی که ممکن است تهدیدی برای دیگران باشند، می‌توانند در خانه‌های خود یا شاید در خانه‌های اجتماعی پشتیبانی شوند. هدف این است که به آن‌ها کمک و پشتیبانی لازم داده شود تا به محض اینکه دیگر تهدید به شمار نیامدند با پشتیبانی مداوم در صورت لزوم، به جامعه‌ی عمومی بازگردند.

**از هر کس به اندازه توانایی،
به هر کس به اندازه نیاز**



۱۹. ما چگونه منابع را عادلانه

توزیع خواهیم کرد؟

در جامعه سرمایه‌داری امروزی، کمبود منابع اغلب تعمدی و به نفع طبقه‌ی حاکم است. برخی از مثال‌ها شامل عدم برداشت محصولات «اضافی»، یا انبارسازی ذخایر غذایی، یا حتی نابود کردن آن‌ها برای حفظ سودهای بالا است.

ما به صورت جمعی تصمیم خواهیم گرفت که همه ما به چیزی نیاز داریم، و سپس همه ما آن را آزادانه تولید خواهیم کرد

وقتی مردم یاد سهمیه‌بندی می‌افتند، اغلب به دوران جنگ جهانی دوم فکر می‌کنند که در آن مقدار بسیاری از کالاها از جمله غذا محدود بود. با این حال، سهمیه‌بندی هنوز هم وجود دارد، اما به صورت قیمت‌گذاری انجام می‌شود، زیرا تعداد زیادی از ما نمی‌توانیم غذای کافی، گرمایش مناسب، مسکن مناسب یا دیگر نیازهای خود را تأمین کنیم. مختلف فقر قرار دارند.

اساس توزیع منابع در یک جامعه‌ی آنارشستی آینده «عدالت» است. آنارشئیست‌ها باور دارند که «هر کس به اندازه‌ی توانایی‌هایش [یعنی کار]، و هر کس به اندازه‌ی نیازهایش» دریافت کند. منظور این نیست که همه مقدار یکسانی از غذا، گرمایش و غیره داشته باشند. بلکه این است که هر فرد آنچه برای سالم و شاداب ماندن و داشتن زندگی لذت‌بخش نیاز دارد، دریافت کند. این نیازها بسته به اینکه فرد کودک، بزرگسال، پیر، دارای ناتوانی، بیمار/سالم، باردار و غیره است، متفاوت خواهند بود.

به عنوان مثال، چه کسی تصمیم می‌گیرد که یک نفر چه غذایی نیاز دارد و به چه مقدار؟ هر یک از ما، به عنوان بخشی از جامعه، در تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه چیزی تولید شود و چگونه و در تصمیم‌گیری درباره‌ی استفاده از منابع (کار مردم و غیره) برای تولید غذایی که هر یک از ما نیاز داریم، سهم مساوی خواهیم داشت. زمانی

۲۰. آیا در یک جامعه‌ی آنارشیستی پول وجود خواهد داشت؟

خیر. پول به افراد این امکان را می‌دهد که منابع را به عنوان ثروت شخصی انباشته کنند. این باعث می‌شود که شکاف بین ثروتمندان و فقرا هر روز بیشتر شود که به نوبه‌ی خود باعث نارضایتی و اختلاف در جامعه می‌شود. این وضعیت نگرانی و استرس را برای کسانی که پول ندارند به همراه می‌آورد که نه تنها برای رفاه ما مناسب نیست، بلکه به طور کلی ناعادلانه و نادرست است.

که منابع نادر هستند، بسیار مهم است که همه ما بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری درباره‌ی نحوه‌ی سهمیه‌بندی آن‌ها به صورت عادلانه باشیم. این کار از ایجاد حس کینه نسبت به اینکه چرا برخی افراد بیشتر دارند، جلوگیری می‌کند، زیرا ما همه در فرآیند تصمیم‌گیری نقش داشته‌ایم.



کسانی سپس خواهان کسب پول بیشتر و بیشتر می‌شوند و آنچه را می‌خواهند با آنچه که واقعاً نیاز دارند اشتباه می‌گیرند.

برای مثال، درمانی برای بیماری خواب آفریقایی وجود دارد. همان دارو برای حذف موی صورت زنان نیز موثر است. وقتی بازار سرمایه‌داری با انتخاب بین نجات میلیون‌ها آفریقایی از یک بیماری کشنده یا حذف موی صورت زنان مواجه می‌شود، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که بیشترین سود/پول را تولید کند (حذف موی صورت زنان). بنابراین، هزاران نفر به خاطر سود می‌میرند. در جامعه‌ی امروزی، درصد کمی از افراد دارای ثروت‌های بزرگ هستند، در حالی که بیش از نیمی از جمعیت جهان در فقر زندگی می‌کنند. ما در دنیا منابع کافی برای برآوردن نیازهای همه داریم. با این حال، کسانی که پول دارند از تمام امکانات زندگی برخوردارند در حالی که در سوی دیگر معادله، مردم در سراسر جهان با پول کم به سختی زنده می‌مانند.

به علاوه با حذف عملی پول در یک جامعه‌ی آنارشیستی، نیازی بدان نیز نخواهد بود. ما به طور جمعی تصمیم خواهیم گرفت که چه چیزی نیاز داریم و سپس به طور آزادانه آن را تولید خواهیم کرد. همه چیز به صورت آزاد در دسترس خواهد بود، بنابراین هر کس آنچه را که برای زندگی نیاز دارد، برمی‌دارد. یا اگر چیزی کم داشته باشد، ما آن را به اشتراک خواهیم گذاشت یا تصمیم خواهیم گرفت که چه کسی بیشتر نیازمند آن است. این روش‌ها برای توزیع منابع بسیار منصفانه‌تر از وضعیت کنونی است که کسانی که پول بیشتری دارند، اولین انتخاب را دارند.

آنارشیست‌ها باور دارند که «هر کس به اندازه‌ی توانایی‌اش، و هر کس به اندازه‌ی نیازش» دریافت کند. این به طور اساسی به این معناست که همه‌ی ما به اندازه‌ی توانایی‌امان مشارکت می‌کنیم و همه‌ی ما از منابعی که نیاز داریم استفاده می‌کنیم.

ما فقط کاری را که لازم است انجام می‌دهیم، زیرا به آن نیاز داریم

۲۱. چگونه بدون پول می‌توانیم به تبادل کالا و خدمات بپردازیم؟

جامعه سرمایه‌داری کنونی ما را به خرید چیزهایی که به آنها نیاز نداریم سوق می‌دهد تا سرمایه‌داران بتوانند از ما سود بیشتری ببرند. برای مثال، ما هر سال نیاز به خرید یک گوشی جدید نداریم، اما بیشتر ما این کار را می‌کنیم. تحت نظم آنارشیستی، آنچه تولید می‌کنیم بر اساس نیاز واقعی جمعی ما خواهد بود. این به این معنا نیست که زندگی ساده و بدون امکانات خواهد بود.

در حال حاضر، «تجارت» به معنای فروش چیزی به دیگران برای کسب سود/پول است. بدون پول در یک جامعه آنارشیستی، بسیاری از اشکال «تجارت» متوقف خواهند شد. مواردی مانند حمل و نقل و فروش بره از بریتانیا به استرالیا و سپس فروش بره از استرالیا به بریتانیا، از نظر زیست‌محیطی و اخلاقی اشتباه است. مردم تصمیم خواهند گرفت که به چه چیزی نیاز دارند و آن‌ها را به صورت محلی تولید خواهند کرد تا کالاها در سطح جهانی جابجا نشوند.

علاوه بر این، بسیاری از چیزها در یک جامعه آنارشیستی اصلاً مورد نیاز نخواهند بود. بنابراین حجم زیادی از «تجارت» به سادگی متوقف خواهد شد. اگر نیاز به تبادل کالاها بین مناطق مختلف باشد، روش‌های زیادی برای انجام این کار تحت نظم آنارشیستی وجود دارد. سه مثال از این روش‌ها عبارتند از:

- برخی جوامع بیشتر از نیاز خود تولید خواهند کرد و اضافه را به



۲۲. بدون پول چه چیزی افراد را به کار کردن یا تشویق آنان به خلاقیت و نوآوری برخواهد انگيخت؟

بسیاری از جنبه‌های زندگی ما اکنون شامل پول است. تقریباً چنان به نظر می‌رسد که بدون آن، فعالیت‌های انسانی به طور کلی متوقف خواهند شد. اما در واقع، پول فقط یکی از روش‌های مدیریت و کنترل کارهایی است که انجام می‌دهیم.

انسان‌ها مدت‌ها پیش از آنکه پول به ذهن کسی بیافتد وجود داشتند. مردم پیش از ابداع پول، کار می‌کردند، هنر خلق می‌کردند، ایده‌های جدید به وجود می‌آوردند، خانه می‌ساختند، کالا مبادله می‌کردند و نیازهای زندگی خود را تأمین می‌کردند. در جامعه‌ی امروزی، بسیاری از ما به صورت داوطلبانه، از دیگران حمایت می‌کنیم و در کارهای جمعی مشارکت داریم. داوطلبان نجات‌غریق و بانک‌های غذایی دو نمونه هستند.

جوامعی که نیاز دارند خواهند داد و به همین ترتیب کالاهایی که نیاز دارند را از مازاد جوامع دیگر دریافت خواهند کرد.

- ممکن است «مبادله‌ی» محدود وجود داشته باشد، جایی که شما چیزی (مانند غذا) را به ما می‌دهید و ما چیزی در عوض (مانند کمک به تعمیر کامپیوترها) برای شما فراهم می‌آوریم.

- تصمیم‌گیری به صورت دموکراتیک در مجامع محلی صورت خواهد گرفت، به‌طوری که هر فرد نظر هم‌سنگی دارد تا هر کسی آنچه نیاز دارد، دریافت کند.

- تبادل کالاها و خدمات میان جوامع مانند غذا، خانه‌ها، مراقبت‌های بهداشتی و همه چیز دیگر توسط نمایندگان تمام جوامع مربوطه که با هم جمع می‌شوند، انجام خواهد شد. این کار در سطح محلی، ملی و در صورت نیاز در سطح بین‌المللی انجام خواهد گرفت.

آنارشپیست‌ها معتقدند که در یک جامعه آنارشپیستی نیز وضعیت به همین شکل خواهد بود، اما در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر.

آنارشپیسم شغل‌های خسته‌کننده‌ی پول‌ساز را از بین خواهد برد. ما تصمیم خواهیم گرفت که چه کاری را کی و چگونه انجام دهیم. ما آزاد خواهیم بود که خلاقانه فکر کنیم، نوآوری کنیم و به‌طور مشترک برنامه‌ریزی کنیم. بدون نیاز به تولید و حفظ ثروت دیگران، وقت بیشتری برای خلاقیت و تفکر خواهیم داشت.

به جای اینکه به انگیزه‌ی کسب پول کار کنیم، انگیزه ما از حمایت یکدیگر و آگاهی بر اینکه تلاش‌های ما به نفع همه است، ایجاد خواهد شد. دریافت سهم عادلانه‌ای از تلاش‌های خود، به جای اینکه رئیس تمام سود را بگیرد، باعث می‌شود مردم انگیزه‌ی بیشتری داشته باشند. بدون پول، هر چیزی که نیاز داریم نیز رایگان خواهد بود، فقط کافیست کمی زمان صرف کنیم تا آن را تولید کنیم. بدون قید و بندهایی که در

خدمت تولید پول به نفع رؤسا و سهام‌داران هستند، تصور کنید چه چیزهایی می‌توانیم خلق، اختراع و به دست آوریم؟

بسیاری از کارهایی که به‌عنوان انسان انجام می‌دهیم بدون اینکه کسی ما را مجبور کند یا انگیزه‌ی مالی مستقیمی داشته باشیم، سازماندهی می‌شوند. در یک جامعه‌ی آزاد و شاداب، نیازی به فشار یا رشوه نخواهیم داشت. ما به سادگی آنچه لازم است انجام خواهیم داد، صرفاً به این دلیل که نیاز به انجام آن وجود دارد.



۲۳. آیا مردم می‌توانند مالکیت داشته باشند؟

در جامعه‌ی کنونی، وقتی به مالکیت فکر می‌کنیم، به دو نوع آن توجه داریم. یکی محل کار تحت مالکیت رئیس، خانه‌های صاحب‌خانه‌ها و املاک و اراضی مالکان است. نوع دیگر، هر چیزی است که به‌صورت فردی برای استفاده شخصی خود داریم، از موسیقی و کامپیوتر گرفته تا لباس‌ها و حتی مسواک شما!

در یک جامعه‌ی آنارشیستی، دسته‌ی اول به جامعه تعلق خواهند داشت، به‌نحوی که آن جامعه می‌خواهد، استفاده خواهند شد. در یک جامعه‌ی آنارشیستی در واقع، این‌ها تحت مالکیت جمعی، اشتراکی یا مشترک خواهند بود.

اما چیزهایی که برای استفاده‌ی شخصی ماست چه؟ هر چیزی که جامعه به اندازه‌ی کافی از آن برخوردار باشد می‌تواند به‌صورت فردی نگهداری شود. اقلام کمیاب‌تر می‌توانند در یک فضای جمعی نگهداری شوند یا ممکن است فهرستی از افرادی که آن‌ها را داشته‌اند وجود داشته باشد تا دیگران نیز بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. در جامعه‌ای که ما متصوریم، مردم در حال رقابت برای منابع (از جمله مالکیت و چیزهای مادی دیگر) نخواهند

بود. ما انتظار داریم مردم با هم کار کنند و آنچه افراد نیاز دارند، به اشتراک بگذارند. (خرید و فروشی وجود نخواهد داشت.) هدف این است که به دوره‌ای برسیم که همه بتوانند آنچه را که نیاز دارند، داشته باشند.

ما فکر نمی‌کنیم که مردم باید بیشتر از آنچه به‌طور معقول نیاز دارند، داشته باشند. برای مثال، در مورد مسکن، وقتی که فرزندان از خانه رفته‌اند و کسی خانه‌ی بزرگی فقط برای خود دارد، می‌تواند خانه‌اش را با خانواده‌ی بزرگ‌تری که به فضای بیشتری نیاز دارد، مبادله کند.

اما، اگر آن‌ها فضای اضافی را دوست داشته باشند و نخواهند که فضایشان «کوچک‌تر شود» چه؟ ما نمی‌گوییم که در یک جامعه‌ی آنارشیستی هیچ تعارض منافی وجود نخواهد داشت. اما این تعارضات با همکاری همه‌ی افراد آن جامعه، گروه یا منطقه حل و فصل خواهند شد و جوامع و گروه‌های مختلف ممکن است به‌طور جمعی بر روی راه‌حل‌های متفاوتی برای حل این مشکلات توافق کنند.

در یک جامعه آنارشیستی به نیازهای هر کسی به اندازه کافی پاسخی وجود خواهد داشت

۲۴. چه چیزی مانع انباشت منابع توسط افراد/گروه‌ها خواهد شد؟

منابع به دلیل این باور که منابع کافی برای همه وجود ندارد، انباشته می‌شوند. خرید عجولانه بر بنیاد ترس در روزهای نخست دنیاگیری کووید-۱۹ نمونه‌ای از این رفتار بود. برخی افراد گمان می‌کردند که کمبود منابع وجود خواهد داشت، بنابراین به سرعت دست به خرید چیزهایی مانند دستمال توالت از سوپرمارکت‌ها زدند تا برای چندین ماه منابع کافی داشته باشند! وقتی مردم متوجه شدند که کمبودی وجود نخواهد داشت، انباشت متوقف شد. با این حال، بیشتر مردم به این شکل عمل نکردند. بسیاری از آن‌ها برعکس عمل کردند و گروه‌های حمایت متقابل راه‌اندازی کردند تا اطمینان حاصل کنند که افراد کم‌توان یا بیمار حمایت می‌شوند.

یک جامعه‌ی آناارشیستی بر اساس اصول همبستگی و یاری متقابل

پایه‌گذاری خواهد شد. تمایلات طبیعی مردم این خواهد بود که نسبت به دیگران مراقبت و همدلی داشته باشند. همچنین، نیازی به انباشتن منابع به دلیل نگرانی از کمبود وجود نخواهد داشت. تحت نظام سرمایه‌داری، بسیاری از منابع برای تولید چیزهایی که نیازی به آن‌ها نداریم، مانند تسلیحات و مجموعه‌ای از کالاهای مصرفی غیرضروری، استفاده می‌شوند. در یک جامعه‌ی آناارشیستی، اگر آنچه را واقعاً برای یک زندگی با کیفیت نیاز داریم، تولید کنیم، به طور کلی منابع کافی در دسترس خواهند بود.

داوطلبان مشاغل ناخوشایند می‌توانند از فعالیت‌های دیگر معاف شوند یا زمان بیش‌تری استراحت کنند

۲۵. اگر کسی نخواست مشاغل

ناخوشایند انجام دهد چه؟

مشاغل ناخوشایند همچنان وجود خواهند داشت. اینکه چه کسی این کارها را انجام دهد، باید توسط هر جامعه مشخص شود. هیچ کس نباید مجبور به انجام این کارها شود.

افراد ممکن است این مشاغل را به دلیل لذت بردن از انجام آنها یا تمایل به کمک به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، انجام دهند. این مشاغل به طور محدود در حال حاضر نیز انجام داده می‌شوند، فقط سرمایه‌داران از آن سودی کسب نمی‌کنند. به عنوان مثال، افراد به‌طور منظم داوطلبانه مشاغل ناخوشایندی را مانند تمیز کردن سواحل پس از نشت نفت از کشتی‌ها یا کارهای خطرناکی مانند پاکسازی مین در مناطق جنگی انجام می‌دهند.

مشاغل ناخوشایند همچنین می‌توانند بر اساس سیستم نوبتی انجام شوند. یا اگر دیگران تمایلی به انجام آنها ندارند، برخی از افراد برای

انجام این کارها داوطلب شوند، این داوطلبان می‌توانند از سایر فعالیت‌ها معاف شده یا زمان بیشتری برای انجام این کارها داشته باشند.

فناوری نیز می‌تواند نقش مفیدی ایفا کند و باعث شود که برخی از کارها به صورت خودکار انجام شوند. ما هم‌اکنون نیز شاهد این رویکرد در جامعه هستیم. بر خلاف خودکارسازی در جامعه‌ی سرمایه‌داری، کارگران خود می‌توانند از خودکارسازی برای کمک به خود استفاده کنند یا تصمیم بگیرند که کارهای خاصی را به طور کامل خودکار کنند. این‌ها تنها چند ایده هستند و ایده‌های بیشتری وجود دارند.



۲۶. با افرادی که اساساً نمی‌خواهند کار کنند، چه کنیم؟

از آنجایی که در یک جامعه‌ی آنارشستی، کار به‌صورت داوطلبانه انجام می‌گیرد هیچ‌کس برخلاف میل خود مجبور به کار کردن نخواهد بود.

بسیاری از آنارشیست‌ها بر این باورند که بسیاری از آنچه ما به‌عنوان تنبلی می‌بینیم، در واقع ناشی از این است که افراد به انجام کارهایی وادار می‌شوند که با علایق یا توانایی‌هایشان مطابقت ندارند و برای سودآوری دیگران طراحی شده‌اند. این آنارشیست‌ها معتقدند افرادی که تمایل به کار ندارند یا توانایی زیادی ندارند، کماکان باید به همه‌ی چیزهایی که برای بقای خود نیاز دارند دسترسی داشته باشند. بیشتر مردم تمایل دارند که همکاری کنند و احترام و تحسین دیگران را می‌خواهند. همین خواسته‌ها هستند که افراد نامتمایل به کار را به تجدیدنظر وادار می‌کنند و به آن‌ها انگیزه می‌دهند که به جامعه‌ای که از آن‌ها حمایت

می‌کند، کمک کنند.

حتی در جوامع سرمایه‌داری، بیشتر مردم در مواقع بحران به‌طور داوطلبانه برای کمک به یکدیگر پیش‌قدم می‌شوند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۵، پس از طوفان کاترینا، مردم محلی کلینیک بهداشت Common Ground را تأسیس کردند. در حالی که دولت آمریکا مردم نیواورلئان را به حال خود رها کرده بود تا بمیرند، آن‌ها برای یکدیگر مراقبت و کمک‌های پزشکی فراهم آوردند؛ این فقط یک نمونه است.

کار شامل موارد بسیار بیشتری نسبت به امروز می‌شود. کارهای خانه و مراقبت از کودکان کار محسوب می‌شوند

برخی از آنارشیست‌ها از اقلیت برگزیده (elite) سرمایه‌داری که چیزی تولید نمی‌کنند خسته شده‌اند و نمی‌خواهند از گروه دیگری از مفت‌خوران که هیچ کمکی نمی‌کنند، حمایت کنند. این آنارشیست‌ها معتقدند که نباید هیچ‌گونه الزامی

۲۲. افرادی که به علت سن بالا، بیماری یا معلولیت نمی‌توانند صدای خود باشند چه؟

در حال حاضر، تعداد زیادی از افراد وجود دارند که «نمی‌توانند به نمایندگی از خود صحبت کنند» و همین وضعیت در یک جامعه‌ی آنارشیستی نیز وجود خواهد داشت: کودکان بسیار خردسال، برخی سالمندان، افرادی که به صورت غیرکلامی ارتباط برقرار می‌کنند، افرادی با ناتوانی‌های شدید و افرادی که به شدت بیمار هستند، از جمله کسانی که در کما به سر می‌برند. معمولاً روش‌هایی وجود دارد که می‌توانیم از طریق آن‌ها از این افراد حمایت کنیم تا در نحوه‌ی اداره‌ی امور و تأمین نیازهایشان مشارکت داشته باشند.

کسانی که به عنوان مراقب (چه اعضای خانواده، پرستاران، کارگران حوزه‌ی سلامت و دیگران در جامعه‌اشان) فعالیت می‌کنند، فرد مورد نظر را به عنوان یک موجود منحصر به فرد خواهند شناخت،

برای کار وجود داشته باشد، اما همچنین نباید هیچ وظیفه‌ای برای تأمین نیازهای افرادی که نمی‌خواهند مشارکت کنند، وجود داشته باشد. در این رویکرد، جامعه به تأمین غذا، لباس و مسکن برای افرادی که قادر به مشارکت هستند اما از آن امتناع می‌کنند، ادامه نخواهد داد. با این حال، چنین افرادی از دسترسی به وسایل معیشت برای خود محروم نخواهند شد، بلکه تنها ممکن است از حمایت جامعه برخوردار نباشند.

از آنجایی که کار در جامعه‌ی آنارشیستی یک فعالیت داوطلبانه است گستره‌ی بسیار وسیع‌تری از مفهوم محدود استخدام دستمزد-بنیادی را که امروزه می‌شناسیم، شامل می‌شود. برای مثال، کارهای خانگی و مراقبت از کودکان نیز کار هستند. البته از افرادی مانند کودکان، بیماران و سالمندان که نمی‌توانند کار کنند انتظار نمی‌رود که کار کنند (اما اگر بخواهند، می‌توانند) و جامعه آنان را محترم خواهد شمرد و حمایت خواهد کرد.

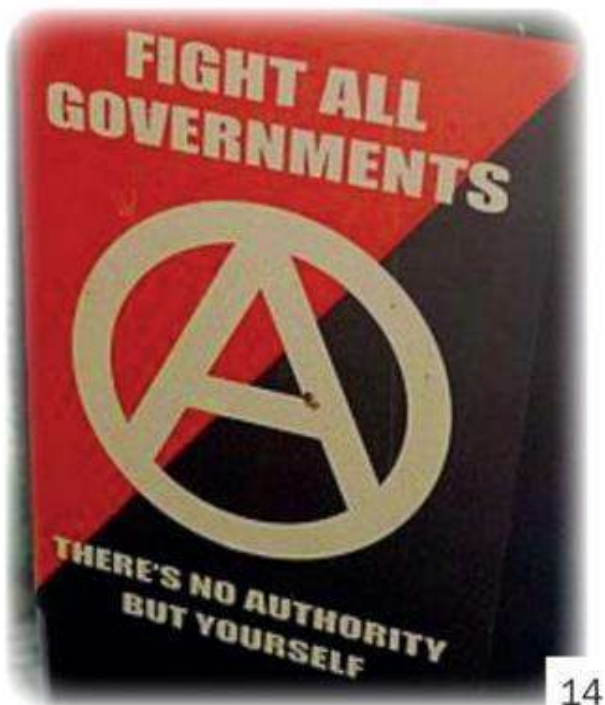
نیازهای او را می‌دانند و روش‌های ارتباطی او را درک می‌کنند. تمام افرادی که درگیر هستند یک «برنامه‌ی مراقبتی» تدوین خواهند کرد که توضیح می‌دهد چگونه می‌توان از هر فرد حمایت کرد تا نظرات او شنیده شود و این برنامه به طور منظم مرور و به‌روزرسانی خواهد شد.



در مواردی که ارتباط برقرار کردن غیرممکن یا بسیار دشوار است (مثلاً با فردی در کما)، خانواده و مراقبان می‌توانند با تکیه بر برنامه‌ی مراقبتی و دانش خود از فرد به عنوان یک موجود متمایز، به نمایندگی از او صحبت کنند.

در جامعه‌ی کنونی، مراقبان معمولاً علی‌رغم مواجهه با انواع موانع تلاش می‌کنند تا این کار را انجام دهند. در یک جامعه‌ی آنارشیستی، جامعه به طور فعال خواهان حمایت و کمک به این فرآیندها خواهد بود.

همچنین ممکن است در آینده پیشرفت‌های عظیمی در پزشکی و فناوری صورت گیرد که روش‌های جدیدی برای ارتباط برقرار کردن به ما ارائه دهد که در حال حاضر حتی نمی‌توانیم تصور کنیم.



۲۸. سیاست هویت چه؟ اگر گروه‌های مختلف حس کنند حقوق‌شان در تضاد با یکدیگر است چه؟ با اختلافات و تنازعات چگونه برخورد خواهد شد؟

در حال حاضر، غالباً افراد به دلیل هویت‌هایشان (گرایش‌ات جنسی، نژاد، مذهب، جنسیت و غیره) در تبعیض قرار دارند. کسانی که با چنین تبعیض‌هایی روبه‌رو هستند در جامعه‌ی آینده، باید حمایت شده و تشویق شوند تا بر حقوق خود ایستادگی کرده و بدانند که حمایت سایرین را دارند. یک جامعه‌ی آنارشیستی تفاوت‌ها را تشویق و خوشامد می‌گوید.

در حال حاضر، هویت‌ها یا گروه‌های مختلف غالباً در برابر یکدیگر قرار داده می‌شوند — اغلب با این ادعا که یکی از دیگری مهم‌تر است — حتی اگر هر دو در تبعیض هستند. هر دو گروه تبعیض‌دیده نیاز به حمایت دارند. هر گونه «درگیری داخلی» بین گروه‌ها به نفع ثروتمندان و قدرتمندان

است. ثروتمندان و قدرتمندان این درگیری‌ها را اغلب تشویق می‌کنند تا ما به جای آنکه با آن‌ها بجنگیم با یکدیگر بجنگیم.

گاهی اوقات درگیری‌ها بین گروه‌های مختلف بالا می‌گیرند و به نقطه‌ای نزدیک می‌شوند که تقریباً حل‌شدنی نیستند. اما اغلب با گذشت زمان، این درگیری‌ها کاهش می‌یابند و آرام می‌شوند و امیدواریم که این امکان را فراهم کنند که بتوانیم تفاوت‌های خود را حل کنیم. این معمولاً زمانی رخ می‌دهد که ما می‌بینیم دشمن بزرگ‌تری وجود دارد (دولت، پلیس، رسانه‌ها، قضات و غیره). در حال حاضر گاهی حتی آنارشیست‌ها در این تفاوت‌ها گرفتار می‌شوند.

در یک جامعه‌ی آنارشیستی، درگیری‌ها همچنان اتفاق خواهند افتاد. بنابراین باید به طور مداوم به شناسایی و کاهش آن‌ها پردازیم. یکی از مثال‌هایی که از قیام اخیر در روزه‌ها به دست آمده، تجربه‌ی «Tekmil» است. در Tekmil، کسانی که به چالش کشیده می‌شوند،

نظرات را بدون پاسخ گوش می‌دهند. درعوض برای جلوگیری از «ذهنیت توده‌ای»، این نگرانی‌ها تنها یک بار مطرح می‌شوند.

همان‌طور که پیش‌تر در این جزوه گفته‌ایم، ما آنارشیست‌ها همه‌ی

پاسخ‌ها را نداریم. اما با پیشرفت مشترک، از موفقیت‌ها و اشتباهات خود یاد خواهیم گرفت. ما روش‌های خود را برای مقابله با مشکلات و درگیری‌ها سازگار خواهیم کرد و در مواجهه با تمام وضعیت‌های دشواری که پیش می‌آید بهتر خواهیم شد.

تا همه افراد در حق آزادی بیان برابر نباشند، هیچ کس نمی‌تواند آزاد باشد



16

۲۹. آیا آنارشیست‌ها به آزادی بیان باور دارند؟

آنارشیست‌ها در تلاش برای ایجاد جامعه‌ای هستند که بر اساس سازمان‌دهی آزادانه‌ی خود افراد پایه‌گذاری شده است، جایی که همکاری عنصر کلیدی است. اما آنارشیست‌ها به یک نقطه‌ی پایانی نمی‌اندیشند، بلکه به تکامل پیوسته اعتقاد دارند. ما همچنین تصور نمی‌کنیم که همه‌ی اختلافات منافع یا نظرات در یک جامعه‌ی آنارشیستی ناپدید خواهند شد. این جامعه تنها در صورتی عملی خواهد بود که تبادل آزادانه‌ی نظرات و ایده‌ها به‌طور مداوم و همچنین آمادگی برای یادگیری از اشتباهات جمعی وجود داشته باشد.

بنابراین، به‌طور ایده‌آل باید آزادی بیان وجود داشته باشد. با این حال، در جامعه کنونی ما، صداها‌ی غالبی وجود دارند که اغلب می‌خواهند از آزادی بیان خود برای سوءاستفاده از مردم یا گروه‌هایی که فرصت کمتری برای پاسخ دادن دارند، استفاده کنند.

تا زمانی که همه فرصت برابری برای شنیده شدن نداشته باشند، آزادی بیان نیز برابر نخواهد بود و تا زمانی که برابر نباشد، نمی‌تواند آزاد باشد.

برخی هنوز از آزادی بیان فعلی دفاع می‌کنند زیرا باور دارند «چوب و سنگ‌ها ممکن است استخوان‌های من را بشکنند، اما کلمات هرگز نمی‌توانند به من آسیب بزنند!» آن‌ها همچنین استدلال می‌کنند که اگر از



۳۰. آیا دین جایی در جامعه‌ی آنارشیستی خواهد داشت؟

بیشتر آنارشیست‌ها باورهای مذهبی ندارند. در واقع، ایده‌ی خدا به‌مثابه قدرت مطلق برای بیشتر آنارشیست‌ها کاملاً متناقض است. آنارشیسم درباره‌ی حرکت مردم به سوی آزادی و سازمان‌دهی مشترک است. مذهب درباره‌ی تسلیم شدن به اراده‌ی خداوند است، انجام آنچه که به شما دیکته می‌شود.

آنارشیست‌ها برنامه‌ای برای زندانی کردن افراد به‌خاطر داشتن باورهای مذهبی یا فرستادن آنها برای «آموزش مجدد» ندارند. آنها همچنین برنامه‌ای برای اعطای حقوق یا قدرتی ویژه به مذاهب ندارند. مذهب به‌عنوان موضوعی فردی در نظر گرفته می‌شود.

در حال حاضر، اکثر کلیساها یا مذاهب دارای «رهبران» خودمنسوب شده‌ای هستند که ادعا می‌کنند برای کل جامعه یا مذهب خود صحبت می‌کنند. این رهبران مذهبی تلاش

بیان نظرات جلوگیری شود، بحث آزاد امکان‌پذیر نخواهد بود. اما بیشتر آنارشیست‌ها با این نظر موافق نیستند.

در موارد حادی مانند آزادی بیان فاشیست‌های امروزی که سخنان نفرت‌آمیز و خشونت‌نژادی را ترویج می‌کنند، بیشتر آنارشیست‌ها توافق دارند که این آزادی، در صورت لزوم با اقدام مستقیم، باید به چالش کشیده شود.

اما تعیین این مرزها تصمیم دشواری است. این مهم همچنین بحثی دشوار است و اگرچه آنارشیست‌ها از این بحث دوری نمی‌کنند، امری مداوم خواهد بود و نظرات ممکن است متفاوت باشند. آنچه مهم است نحوه‌ی برخورد ما با این دیدگاه‌های متفاوت است. جوامع باید به‌طور مداوم به رویکردهای خود در این زمینه توجه کنند.

بنابراین، دیدگاه‌های متنوعی وجود دارند، اما چیزی که همه‌ی آنارشیست‌ها با آن موافق‌اند این است که هرگز از دولت نخواهند خواست تا کنترل یا ممنوعیت سخنرانی را بر عهده بگیرد. ما باید از پایین به بالا با این موضوع برخورد کنیم.

۳۱. آیا کودکان و جوانان درباره‌ی اداره‌ی جامعه حق نظر خواهند داشت؟

به‌طور خلاصه، بله. در یک جامعه‌ی آنارشیستی، کودکان و جوانان قطعاً در نحوه‌ی اداره‌ی جامعه نقش خواهند داشت و نظرات آنها به اندازه‌ی نظرات سایرین ارزشمند خواهد بود.

بخشی از عملکرد مدارس در حال حاضر به آموزش «قوانین» غالب جامعه برای بازتولید نابرابری و حفظ سلسله‌مراتب‌های موجود اختصاص دارد، از جمله از طریق آزمون‌های استاندارد شده که به‌طور چشمگیری به نفع کسانی است که پیشاپیش از امتیازات بیشتری برخوردارند. آموزش بخش بسیار مهمی از حفظ سیستم موجود است، چراکه جوانان را با تمام انتظارات و ایده‌های لازم برای تولید نسل‌های جدید سرمایه‌داران کوچک خوب آشنا می‌کند. با وجود این سیستم آموزشی استبدادی، بسیاری از

می‌کنند تا پیروان خود را مجبور کنند آنچه به اعتقاد آنان، خدا، کشیش یا مرشد خاصشان درست می‌داند، بدون پرسش انجام دهند. تا زمانی که این اتفاق نیفتد و هر کسی آزاد نباشد که هر خدایی که خود خواست را پرستش کند (یا نپرستد)، آنارشیست‌ها خواهند گفت که ما باید خودمان تصمیم بگیریم که چه چیزی را باور کنیم یا باور نکنیم.

با این حال، برای ما عجیب است که کسی بخواهد از یک خدا یا خدایان، کشیش، مرشد یا هر شخص دیگری بخواهد تا به جای او در مورد آنچه باید انجام دهد یا فکر کند، تصمیم بگیرد و در عین حال در انتخاب‌های خود آزاد باشد.

نوجوانان به طور تاریخی با بلند کردن صدای خود در جامعه حضور داشته و از طریق اشکال مختلف اعتراض در مقابل این سیستم مقاومت کرده‌اند.

در یک جامعه‌ی آنارشیستی، نظرات اعضای جوان‌تر جامعه به اندازه‌ی نظرات بزرگ‌ترها اهمیت خواهد داشت. همه با هم برای سازماندهی جامعه‌ای کار خواهند کرد که در آن تمامی نظرات مد نظر قرار گرفته و به آنها عمل می‌شود. می‌توانیم اشکال آموزشی جمعی را توسعه دهیم که تلاش نکنند تا کودکان و نوجوانان به انقیاد درآیند. بلکه آموزش به عنوان فضاهای غیرسلسله‌مراتبی وجود خواهند داشت که کودکان و جوانان به‌عنوان متفکران آزاد به‌طور داوطلبانه در آن شرکت کنند و ایده‌هایشان درباره چگونگی بازتصور جامعه جدی گرفته شوند. دانش دیگر به صورت یک‌طرفه از بزرگ‌ترها به جوان‌ترها منتقل نمی‌شود، بلکه به صورت متقابل بین هر دو طرف مبادله می‌شود و در این فرایند، دانش جدید فراهم می‌آید.

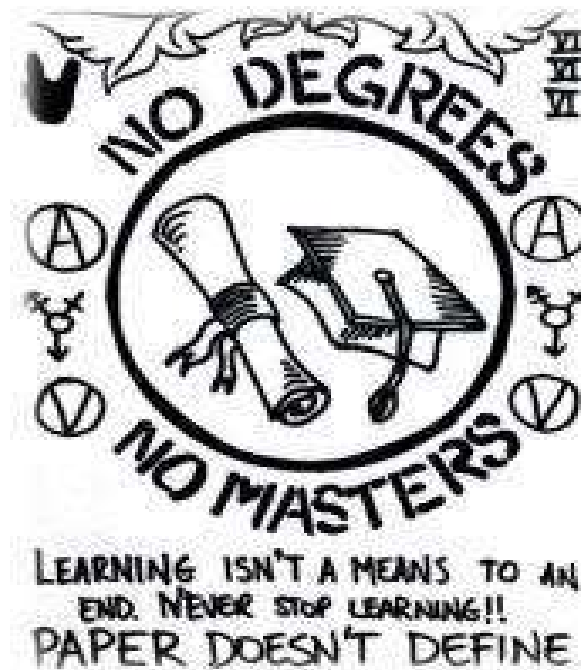
این بدین معنی نیست که کودکان و نوجوانان بالغ تلقی شوند (و از آنها انتظار رود تمام آن مسئولیت‌ها را بپذیرند)، بلکه به‌عنوان اعضای برابر جامعه به مشارکت‌ها و دیدگاه‌هایشان، به‌طور اخص به دلیل جوان بودن، ارزش قائل و توجه شود. این تنها یکی از راه‌هایی است که می‌توانیم تصور کنیم تا کودکان و جوانان در نحوه‌ی اداره‌ی جامعه نقش داشته باشند.



۳۲. آموزش و پرورش چگونه خواهد بود؟

ما در جامعه‌ی آنارشیستی شاهد سیستم آموزشی استبدادی از بالا به پایین فعلی که ما را برای تبدیل شدن به کارگران خوب به نفع ثروتمندان و سرمایه‌داری آماده می‌کند، نخواهیم بود. ما فکر می‌کنیم که مردم به همان اندازه‌ی لاتین، علوم یا جبر، به یادگیری مهارت‌های عملی، تفکر انتقادی، حل مسئله و مهارت‌های اجتماعی نیز نیازمند خواهند بود.

آموزش باید دارای چند راهنمای کلی باشد. باید گسترده، مادام‌العمر،



غیرسلسله‌مراتبی، متنوع، متمرکز بر فرد و داوطلبانه باشد.

افراد در سطوح مختلف یادگیری قرار می‌گیرند، بنابراین محتمل نیست که همه در یک کلاس از نظر سنی یکسان باشند. این امر به منظور شکستن مرزهای نسلی تشویق خواهد شد و همچنین این امکان را فراهم می‌آورد که در هر زمانی از زندگی امان هر چیزی که بخواهیم، یاد بگیریم.

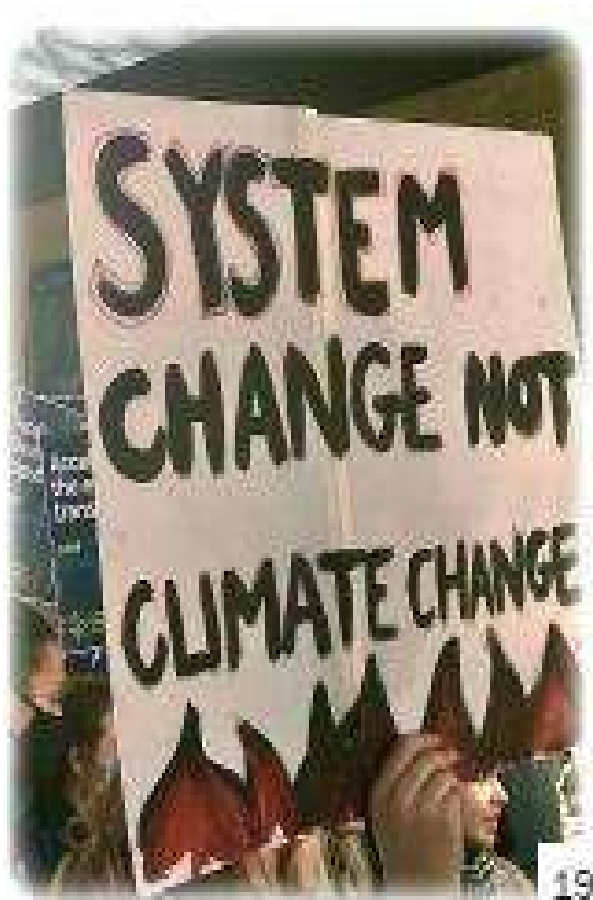
این ایده که شما فقط در سن «x»، «y» را یاد بگیرید تا سال‌ها بعد شغل «z» را انجام دهید، برای ما عجیب به نظر می‌رسد. آنارشیست‌ها معتقدند که بسیاری از مردم در طول زندگی خود به یادگیری (و همچنین کار) به صورت مقطعی خواهند پرداخت. دیگران ممکن است به یک موضوع خاص علاقه‌مند شوند و تصمیم بگیرند که چندین سال به یادگیری بیشتر در آن زمینه بپردازند، که این نیز پذیرفتنی است.

ما با سلسله مراتب موضوعات آموزشی موافق نیستیم. ریاضیات (مثلاً) از هنر یا علوم انسانی یا بنایی مهم تر نیست.

احتمالاً امتحانات، تست ها یا مدارک محدودی وجود خواهند داشت و افراد تنها در موارد ضروری ارزیابی خواهند شد. اما این مدارک هرگز پایان یادگیری نخواهند بود، بلکه نقاط عطفی در یک سفر آموزشی خواهند بود.

احتمالاً به برخی از یادگیری ها و آموزش های تخصصی برای برخی افراد مانند جراحان، لوله کش گاز و غیره نیاز خواهد بود. اما این آموزش ها برای هر کسی در دسترس خواهند بود. برخی از آموزش ها ممکن است به ساختمان ها و تجهیزات اختصاصی نیاز داشته باشند. اما به طور کلی، آتارشیست ها احساس می کنند که آموزش نباید لزوماً در ساختمان هایی که به طور اخص به «یادگیری» اختصاص داده شده اند، انجام شوند. اما اگر جامعه تصمیم بگیرد

که این کار را انجام دهد، حضور و زمان برگزاری آن توسط برگزارکنندگان و شرکت کنندگان تصمیم گیری خواهد شد. کسانی که آن را هدایت می کنند متعهد خواهند بود که در آنجا حضور داشته باشند، اما هر کسی می تواند در هر تعداد جلسات که می خواهد، شرکت کند.



۳۳. شما چگونه با بحران‌های آب‌وهوایی و محیط‌زیستی برخورد خواهید کرد؟

یک جامعه‌ی آنا‌رشیستی به سمت ایجاد اقتصادی با مکان‌های کار کوچک‌تر و متوسط‌تر متمایل خواهد بود، که به‌طور نزدیکی با جوامع محلی و اکوسیستم‌ها پیوند دارد. ما شاهد خواهیم بود که محل‌های کار، خانه‌ها و فضاهاى عمومی با سرعت بیشتری به‌سوی استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر پیش می‌روند.

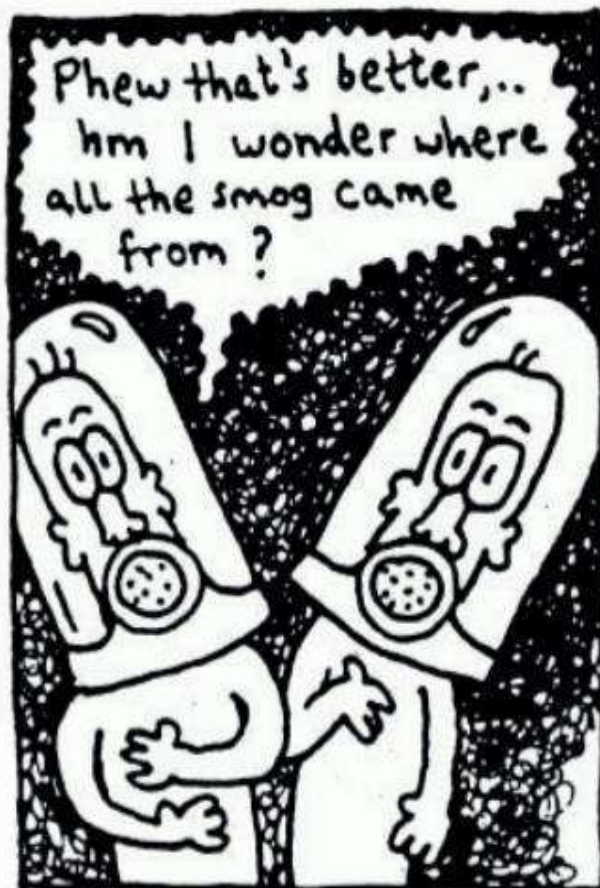
تمرکززدایی (انجام کارها به صورت محلی) به این معناست که مردم می‌توانند به راحتی فناوری را مشاهده و درک کرده و به‌طور حقیقی بر آن کنترل داشته باشند. دیگر نیازی به تولید کم یا زیاد نخواهد بود، زیرا تولید برای تأمین نیازهای مردم خواهد بود و نه برای سودجویی شرکت‌ها. علاوه بر این، تصمیم‌گیری جمعی در درون جوامع باید به

انتخاب راه‌حل‌های اکولوژیکی بهتر منجر شود.

پایان مصرف‌گرایی و سیستم پولی به معنای ناپدید شدن صنایعی مانند تبلیغات است که به تخریب محیط زیست کمک کرده و ما را به خرید چیزهایی که نیازی به آن‌ها نداریم، ترغیب می‌کنند. تحت آنا‌رشیسم، این به معنای پایان تولید بیش‌ازحد و حذف محصولات غیرضروری (مانند پنجاه نوع مختلف پودر لباسشویی) خواهد بود.

ما همچنین چیزهایی را خواهیم ساخت که دوام داشته باشند. جامعه‌ی فعلی چیزهایی می‌سازد که عمداً خراب می‌شوند، زودتر از موعد فرسوده می‌شوند یا نمی‌توان آن‌ها را تعمیر کرد. کامپیوترها و تلفن‌های همراه مثال‌های بارز (اما به هیچ وجه نه تنها مثال‌های ممکن) هستند. این کار به این دلیل انجام می‌شود که سرمایه‌داری بتواند چیزهای بیشتری

سرمایه‌داری فروپاشی ذهن شما و سیاره زمین است



۳۴. آیا آنارشیست‌ها پژوهش علمی و توسعه‌ی تکنولوژیک را ممنوع خواهند کرد؟

دانش علمی، دانش دنیای مادی است که بر پایه‌ی شواهد برآمده از مشاهده استوار است، نه بر نظر، ایمان یا آرزوهای غیرواقعی. ما نیاز داریم که درک کنیم فرآیندهای فیزیکی چگونه کار می‌کنند تا بتوانیم برای خود غذا و سرپناه فراهم کرده، از بیماری‌ها پیشگیری کنیم و با تغییرات اقلیمی مقابله کنیم.

زمانی که دانش علمی برای مقاصد سودآوری یا کسب قدرت به‌طور پنهانی توسعه می‌یابد، اغلب تکنولوژی‌هایی به وجود می‌آیند که به جای بهبود زندگی‌امان، به ما آسیب می‌زنند. به‌عنوان مثال، انگیزه‌ی سود و کنترل به این معنی است که هوش مصنوعی توسط دولت‌ها، ارتش‌ها و شرکت‌های خصوصی برای تسلیحات، نظارت یا به‌منظور مغزشویی برای خرید محصولات یا حمایت از اهداف خاص توسعه

به ما بفروشد و سود بیشتری کسب کند. اما این باعث هدر رفتن منابع طبیعی و همچنین تمام انرژی لازم برای تولید آن‌ها و تعداد زیادی از ساعت‌های صرف‌شده برای تولید و دور ریختن کالاها می‌شود؛ ساعتی که می‌توانند وقف کار سودمند یا صرفاً استراحت شوند.

جامعه‌ی کنونی به‌شدت به وسایل نقلیه‌ی خصوصی و استفاده از حمل‌ونقل جاده‌ای، دریایی و هوایی برای جابجایی کالاها در سطح جهانی متکی است. تحت آنارشیسم، ما به‌طور گسترده‌ای حمل‌ونقل عمومی و روش‌های پایدار محیط‌زیستی برای جابجایی مردم و کالاها را افزایش خواهیم داد و همچنین کالاها را بیشتر به‌طور محلی تولید خواهیم کرد.

تمام خانه‌ها به‌طور مؤثر عایق‌بندی خواهند شد و به‌جای استفاده از سوخت‌های فسیلی از انرژی‌های زیست‌محیطی مانند انرژی خورشیدی، بادی و آبی استفاده خواهیم کرد.

می‌یابد. دستگاه‌ها، هویت‌ها و داده‌های امان بدون اطلاع یا رضایت ما استفاده می‌شوند و کنترل ما بر روی تکنولوژی‌هایی که بر ما تأثیر می‌گذارند کمتر و کمتر می‌شود.

در یک جامعه‌ی آنارشیستی، علم، مانند هر چیز دیگری، بر اساس توافق کل جامعه و به شرط آن‌که منفعت عمومی را تأمین کند، پشتیبانی خواهد شد. علم باید آزاد (بدون پنهان‌کاری یا مالکیت ایده‌ها، رایگان در دسترس همه) باشد و به جامعه اجازه دهد تا بر اخلاقیات، خطرات و مزایای آن نظارت کند. علم فعالیت است که در محیط‌های کاری و آموزشی انجام خواهیم شد. آزمایشگاه‌های خصوصی که با یکدیگر در رقابت هستند، وجود نخواهند داشت. بدون انگیزه‌ی سود، جامعه‌ی علمی می‌تواند بر روی

تولید غذای پایدار، انرژی و حمل‌ونقل، مراقبت‌های بهداشتی و غیره تمرکز کند. پیشرفت‌ها می‌توانند برای حل مشکلات جهانی به اشتراک گذاشته شوند. به عنوان مثال، دستورالعمل‌های تولید واکسن‌های جدید در دسترس خواهند بود تا واکسن بتواند در هر جایی ساخته شود، نه فقط توسط یک شرکت که آن را با قیمت‌هایی که جوامع فقیر نمی‌توانند پرداخت کنند، می‌فروشد.

فقط تصور کنید که با استفاده از علم آزاد در جوامع‌مان چقدر می‌توانیم پیشرفت کنیم. ما می‌توانیم سیستم‌هایی برای تصمیم‌گیری دموکراتیک کارآمد و توزیع منصفانه‌ی منابع طراحی کنیم و به‌طور مشترک شروع به مقابله با چالش‌های جهانی کنیم.



۳۵. آیا خانوادگی هسته‌ای جایی در جامعه‌ی آنارشیستی خواهد داشت؟

پاسخ ساده این است: «بله، اگر مردم بخواهند به این روش زندگی کنند». خانوادگی هسته‌ای به‌طور سنتی به همسر، زن و فرزندان اشاره دارد. یکی از اصولی که آنارشیست‌ها بر روی آن توافق دارند این است که هر فرد به‌شرط آن‌که به دیگران آسیب نرساند، باید اجازه داشته باشد هر کاری که می‌خواهد انجام دهد.

هر کسی باید بتواند به شیوه‌ای زندگی کند که برای او بهترین است. در نسبت با «خانواده» این می‌تواند شامل خانواده‌های گسترده‌ای که با هم زندگی می‌کنند؛ گروه‌هایی که به‌طور مشترک کودکان را بزرگ می‌کنند؛ افرادی که تصمیم می‌گیرند کودکی نداشته باشند؛ زوج‌های همجنس‌گرا یا بدون فرزند، باشد یا هر ترکیب دیگری که برای آن افراد

مناسب باشد، از جمله خانوادگی هسته‌ای.

اما این ترکیب باید برای همه‌ی اعضای آن «خانواده» مناسب باشد. در جامعه‌ی کنونی، خانواده هسته‌ای غالباً برای نقش پدر مناسب است اما برای مادر یا فرزندان خوب نیست. اگر این ترکیب برای همه‌ی افراد درگیر درست عمل کند، پس مشکلی نیست. اما اگر نه، همه‌ی کسانی که درگیر هستند می‌توانند در مورد راه‌های بهبود آن گفتگو کنند تا به یک روش زندگی لذت‌بخش برای همه تبدیل شود. جامعه از آن‌ها پشتیبانی خواهد کرد تا تلاش کنند که آن را بهتر کنند. اما اگر هنوز مشکلاتی باشد، کسانی که درگیر هستند باید بتوانند با اطمینان خاطر به دنبال دیگر راه‌های زندگی کردن باشند.

به‌طور مشابه، اگر هر نوع «خانوادگی» دیگری نیاز به حمایت داشته باشد، باید آن را دریافت کند. اگر شیوه‌ی زندگی آن‌ها برای همه‌ی آنان کار نمی‌کند، باید بتوانند روش‌های مختلفی را امتحان کنند.

۳۶. آیا مواد مخدر آزاد خواهند بود؟ الکل و تنباکو چه؟

در یک جامعه‌ی آناارشیستی، انتظار می‌رود که تعداد افرادی که از مواد مخدر (از جمله الکل و تنباکو) استفاده می‌کنند، با گذشت زمان کاهش یابد، زیرا مردم زندگی‌های سختی نخواهند داشت. همچنین دلیلی برای عادت به این مواد وجود نخواهد داشت. بنابراین، مصرف این مواد عمدتاً برای آرامش خواهد بود.

با این حال، مواد مخدر ممکن است سلامت مصرف‌کننده را تحت تأثیر بگذارند و می‌توانند بر دیگر اعضای جامعه نیز تأثیر بگذارند. آیا این به «جامعه» حق می‌دهد که آن‌ها را ممنوع کند؟ اکثر آناارشیست‌ها بر مالکیت فرد بر بدن خود تأکید می‌کنند. دیکتاتوری نظرات عمومی همچنان دیکتاتوری است! هر جامعه باید دربارهِ تعادل بین فرد و جامعه بحث و سپس توافق کند.

در یک جامعه‌ی آناارشیستی، ما باید بپرسیم چه کسی این اقلام را تولید

مردم باید به هر شیوه‌ای که می‌خواهند زندگی کنند تا ایمن و خوشحال باشند و تشویق شوند که برای خودشان فکر کنند و هیچ‌یک از ما نباید نحوه‌ی زندگی دیگران را قضاوت کرده، یا اگر آن‌ها روش‌های مختلفی را امتحان کردند، آنان را قضاوت کنیم.

امیدواریم که در یک جامعه‌ی آناارشیستی، همه‌ی ما با دامنهِای گسترده از افراد مختلف در ارتباط باشیم و تجربیات و دانش را نه فقط از درون یک ترکیب خاص بلکه از جاهای مختلف کسب کنیم.

فقط تصور کنید که چگونه می‌توانیم از علم متن باز در جوامع خود بیشتر استفاده کنیم

۳۲. آیا رسانه/رسانه‌های اجتماعی نظارت خواهند شد؟

در حال حاضر، اکثر شرکت‌های بزرگ رسانه‌ای می‌خواهند پول درآورند (از طریق درآمد تبلیغاتی یا فروش داده‌های کاربران). آن‌ها همچنین می‌خواهند ایده‌ها را گسترش دهند (اغلب برای کسب تأثیر سیاسی) با جذب هرچه بیشتر مردم. همچنین تا زمانی که موضوعاتی برای خشم و انزجار وجود داشته باشند، رسانه‌ها از واکنش‌های احساسی ما بهره‌برداری خواهند کرد. بنابراین، باید هوشیار باشیم تا اجازه ندهیم از ما بهره‌برداری شود.

جامعه‌ی سرمایه‌داری بر رقابت، تصویر و خودخواهی استوار است. رسانه‌های اجتماعی نسخه‌ای اغراق‌شده از آن هستند.

ما بر این باوریم که در یک جامعه‌ی آنارشیستی آینده، مردم به یکدیگر احترام خواهند گذاشت. باید دستورالعمل‌هایی که هر جامعه برایشان توافق کرده است، وجود

می‌کند؟ تولیدکنندگان کوکائین در آمریکای لاتین، تولیدکنندگان تریاک در افغانستان و راهبان تولیدکننده‌ی شراب باکفاست که بسیاری از معتادان به الکل آن را ترجیح می‌دهند، این کار را انجام می‌دهند زیرا بهترین درآمد را برایشان فراهم می‌کند. هروئین و کوکائین از این نظر تفاوتی با انگشت‌ماهی، همبرگرهای گیاهی یا سلاح‌ها ندارند. کشاورزان قهوه‌ی کنیا وقتی بازار افت کرد، به کشت محصولاتی که می‌توانستند بخورند، تغییر رویه دادند، محصولاتی که بسیار سالم‌ترند. ما حدس می‌زنیم که تولید این مواد به مراتب کمتر خواهد شد زیرا جوامع شروع به کشت/تولید محصولات مفیدتری برای خود خواهند کرد.

شاید افراد خودشان اقلام مورد علاقه‌اشان را تولید کنند. شاید جامعه تصمیم بگیرد که به‌طور جمعی این کار را انجام دهد. این بخشی از این پرسش گسترده‌تر است که در یک جامعه‌ی آنارشیستی، تصمیم خواهیم گرفت چه چیزهایی را تولید کنیم.

۳۸. چه بر سر مُد، هنر، موسیقی، فرهنگ، سرگرمی و لذت خواهد آمد؟

«اگر نتوانم برقصم، این انقلاب من
نیست.» - امما گلدمن، آنارشیکست،
۱۸۶۹ - ۱۹۴۰

این روند همان طور که همیشه بوده
ادامه یافته و با گذر زمان و مطابق
سلیقه‌های افرادی که آن را خلق
می‌کنند، تکامل خواهد یافت. مردم
زمان بیشتری برای کشف جنبه‌های
خلاقانه‌ی خود خواهند داشت و
می‌توانند هر اثر عجیب و
شگفت‌انگیزی که تخیلشان اجازه
می‌دهد، تولید کنند. این وضعیت
مانند جامعه‌ی سرمایه‌داری امروزی
که در آن آثار هنرمندان توسط
دیگرانی که از موفقیت آنها کسب
سود می‌کنند بر ما تحمیل می‌شوند،
نخواهد بود.

امروزه هنرمندان مستعدی وجود
دارند که آثارشان هرگز به رسمیت
شناخته نمی‌شوند و اغلب در نتیجه‌ی
این روند فراموش می‌شوند. بسیاری از

داشته باشند تا همه بدانیم چه چیزی
مناسب است و چه چیزی نیست.

در مورد خود تکنولوژی، دشوار
است که بدانیم در آینده چگونه
تغییر خواهد کرد.

ما دوست داریم فکر کنیم که توانایی
مردم برای پیوند جهانی سرانجام
وعده‌ی خود را به‌عنوان نیرویی برای
خیر برآورده خواهد کرد و دیگران را به
تفکر در مورد شکل دیگری از جامعه
تشویق خواهد کرد.

آنارشیکست‌ها بر مالکیت فرد بر بدن خود تأکید دارند



22

زندگی کردن و انجام دادن چیزی که دوست دارید و برای بسیاری، همین خود نوعی از فعالیت خلاقانه است.

توانمندسازی مردم برای ارتباط جهانی، سرانجامی جز خیر و صلاح ندارد

**"اگر نتوانم برقصم، این
انقلاب من نیست."**

اما گولدمن، آنارشی، ۱۸۶۹-۱۹۴۰

آنها به خاطر علاقه به چیزی که خلق می‌کنند و لذت بردن از آن، به کار خود ادامه می‌دهند، حتی اگر نتوانند از آن درآمدی کسب کنند.

مردم می‌خواهند سرگرم شوند و سرگرم کنند. همه‌ی ما چیزهای مختلفی را دوست داریم و این به غنای زندگی اضافه می‌کند. ما هرگز با کمبود هنر شگفت‌انگیز روبرو نخواهیم شد.

ما فکر می‌کنیم که یک جامعه‌ی آنارشیستی به افراد بیشتری این امکان را می‌دهد که به شکل‌های بسیار متنوعی از خلاقیت خود لذت ببرند. آیا هدف اصلی همین نیست؟



چگونه می‌توانیم به آرمان خود برسیم؟



جهانی بهتر ممکن است

۳۹. اما مگر به احزاب و رهبران سیاسی نیازی نداریم تا بتوانیم تغییری ایجاد کنیم؟

ما برای ایجاد جامعه‌ای بهتر به احزاب و رهبران سیاسی نیازی نداریم — آن‌ها سر راه ما ایستاده‌اند!

ساختار فعلی جامعه به راحتی این تصور را ایجاد می‌کند که نمی‌توانیم تغییراتی ایجاد کنیم مگر اینکه دولت‌ها قوانین را تصویب کنند یا پول لازم را برای انجام کاری فراهم آورند. به عنوان مثال، افرادی که علیه قوانین ممنوعیت سقط جنین یا همجنس‌گرایی مبارزه می‌کنند، تصمیم گرفتند بر روی تغییر قوانین از طریق احزاب سیاسی تمرکز کنند. در عوض، ما می‌توانستیم بر روی بی‌اثر کردن این ممنوعیت‌ها تمرکز کنیم، همانطور که افراد کوئیر و ترنس در شورش افسانه‌ای استون‌وال در ایالات متحده انجام دادند.

با گسترش دنیاگیری کووید، کارگران بدون اینکه منتظر سیاستمداران بهمانند برای حفاظت از خود اقدام کردند. گسترش سریع گروه‌های یاری متقابل در سراسر کشور نیز نشان داد که مردم در حال سازماندهی برای حفاظت از خود بودند. مردم عادی بسیار پیش‌تر از سیاستمداران واکنش نشان دادند. زمانی که جامعه به روش آنارشیستی سازماندهی شود، ما تغییرات لازم را به طور مستقیم ایجاد خواهیم کرد.

در این بین، مثال‌های زیادی وجود دارند که مردم کنترل مستقیم را به دست گرفته و تغییرات را ایجاد کردند. دو مورد از آن‌ها: بعد از شورش‌های توتن‌ها (۲۰۱۱) و



آتش‌سوزی برج گرنفل (۲۰۱۷) است. در هر دو مورد، مردم محلی برای ارائه همبستگی، حمایت و یاری متقابل به نیازمندان به‌صورت خودجوش سازماندهی کردند. مثال‌های بسیار دیگری از این دست وجود دارند. جنبش کشت غذای محلی در سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری افزایش یافته است، زیرا مردم اراضی را برای تأمین نیازهای خود تصرف کرده‌اند. سازماندهی خودجوش کارگران نیز اغلب مستقیماً مسئول ایجاد تغییرات است. کارکنان NHS [سرویس سلامت ملی انگلستان] بودند که با کووید مقابله کرده و علی‌رغم مدیریت نادرست دولت سازماندهی موفقیت‌آمیز توزیع واکسن را به انجام رساندند. پس از جنگ جهانی دوم، اقدامات مستقیم جمعی کسانی که در جنگ فداکاری زیادی کرده بودند، به بهبود زندگی کارگران منجر شد. یکی از مثال‌ها، اشغال پایگاه‌های نظامی خالی توسط سربازان بازگشته از جنگ به‌هدف سکونت بود. چنین اقداماتی بخشی

از یک جنبش عمومی بودند که به مسکن اجتماعی و سایر بهبودها منجر شدند.

**کسانی که به ثروت و قدرت
تکیه می‌کنند، به راحتی از
آنها دست برنمی‌دارند**

۴۰. آیا نباید به جای تغییر همه چیز آنچه داریم، تدریجاً اصلاح کرد؟

همه چیز به این بستگی دارد که واقعاً چه چیزی را می خواهید تغییر دهید.

اگر فقط به دنبال شغل های طبقه متوسطی بهتر و چیزهایی که می توانید برای خودتان خریداری کنید هستید، پس شما به دنبال انقلاب نیستید. شما به دنبال فرصتی برای بهتر بودن نسبت به اکثر مردم جهان و پیوستن به کسانی هستید که شما را استثمار می کنند. امیدواریم در نهایت متوجه شوید که شما در سمت بازنده

قرار دارید. سیستمی که بر اساس ثروت و قدرت برخی افراد به قیمت استثمار اکثریت بنا شده است به راحتی به سیستمی تبدیل نمی شود که در آن همه به همکاری پرداخته و بتوانند نیازهای خود را برآورده کنند.

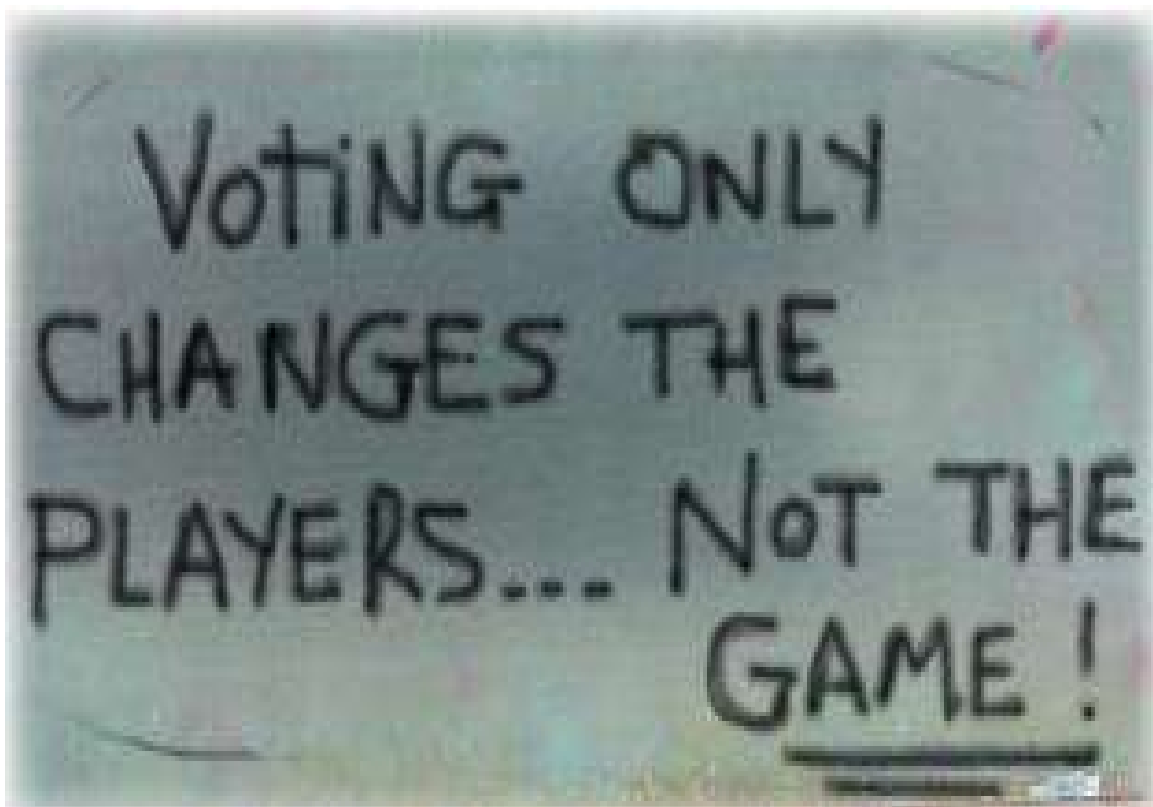
برای آنارشیست ها، سؤال بنیادی این است که «چه کسی قدرت دارد؟» سیستمی که بر اساس ماندن قدرت حقیقی در دست چند نفر بنا شده، به آرامی به سیستمی که در آن همه قدرت دارند تغییر نخواهد کرد. این به این دلیل است که کسانی که ثروت و قدرت دارند، به راحتی آن را بازپس نخواهند داد. اگر آنان



احساس تهدید کنند، ممکن است فکر کنند که مجبوراند برخی اصلاحات را انجام دهند، اما این برعکس رها کردن قدرتشان است. این افراد از قدرتی که دارند برای باقی ماندن در بالای هرم استفاده می کنند. پلنگان کمپنگاه اشان را تغییر نمی دهند.

به عنوان آنارشیست ما می خواهیم نه فقط در محله های خود، بلکه در

نهایت در سطح جهانی نیز مردم زندگی خودشان را اداره کنند و با یکدیگر همکاری کنند. در نهایت، ما از دولت، حکومت یا ثروتمندان و قدرتمندان نمی خواهیم که چیزی برای ما انجام دهند. آنها همیشه به نفع طبقه ی حاکمی که بخشی از آن هستند عمل خواهند کرد. ما می خواهیم همه به یکدیگر پیوسته و این کار را خودمان انجام دهیم.



رأی دادن فقط بازیکنان را تغییر می دهد... نه بازی را!

۴۱. اقدام مستقیمی که مدام از آن حرف می‌زنید چیست؟

تعاریف اقدام مستقیم شامل «انجام چیزی به عنوان فوری‌ترین راه رسیدن به یک هدف» و «نوعی فعالیت سیاسی که در آن شرکت‌کنندگان به طور مستقیم عمل کرده و رویه‌های سیاسی (و صنعتی) موجود را نادیده می‌گیرند»، می‌شود.

مثال‌ها شامل دیوارنگاری سیاسی، اعتصابات، اشغال اماکن کار، تظاهرات، تحصن، کارشکنی (سابوتاژ)، اشغال و یا جنگ چریکی انقلابی‌ست. بیشتر آنارشیست‌ها تظاهرات را مثالی از این قبیل

نمی‌دانند. سابوتاژ زمانی است که مردم برای کسب مزیت سیاسی عامدانه مانع چیزی شده، به آن آسیب زده یا نابودش می‌کنند. این می‌تواند شامل اشغال یا تخریب چیزی مانند کارخانه‌ی تسلیحات یا نیروگاه زغال‌سنگ باشد. اما ممکن است به سادگی اقدام کارگری خسته از کار باشد که به معنای واقعی کلمه «چیزی لای چرخ‌دنده می‌گذارد» تا تولید را مختل کند.

برخی افراد از اصطلاح اقدام مستقیم برای ارجاع به چیزی که آنارشیست‌ها آن را چیزی بیش از لابی رادیکال نمی‌دانند، استفاده می‌کنند. در اینجا



۴۲. آیا انقلاب خشونت‌آمیز خواهد بود؟ آیا حکومت‌ها هر اقدامی را برای تغییر حقیقی با زور سرکوب نخواهند کرد؟

رسانه‌ها معمولاً آنارشیست‌ها را به‌عنوان افرادی خشونت‌طلب و ویرانگر به تصویر می‌کشند و بیشتر مردم تصور می‌کنند که یک انقلاب آنارشیستی نیز به همین شکل خواهد بود. این درک نادرستی از آنارشیسم است.

انقلاب آنارشیستی، انقلابی نیست که گروهی از حاکمان را سرنگون کند تا آنان را با گروه دیگری جایگزین کند، چنین انقلاب‌هایی اغلب خشونت‌آمیز هستند اما در واقع تغییرات اساسی ایجاد نمی‌کنند. یک انقلاب آنارشیستی، با تغییر شیوهی تصمیم‌گیری‌ها، نحوه‌ی کارکرد جامعه را تغییر می‌دهد. به جای یک رویداد خاص، فرآیندی است که در آن مردم به طور فزاینده‌ای متوجه می‌شوند که نیازی نیست با وضع موجود سازگار باشند و می‌توانند

به‌جای اینکه افرادی که در عمل درگیر هستند واقعاً چیزی را به‌طور مستقیم تغییر دهند، اقدام، درخواست از دولت برای تغییر سیاست خاصی است.

اغلب کسانی که لابی رادیکال انجام می‌دهند قصد دارند دستگیر شوند و پرونده‌ی خود را در دادگاه مطرح کنند. این گاهی اوقات «گفتن حقیقت به قدرت» نامیده می‌شود. بیشتر آنارشیست‌ها معتقدند کسانی که در قدرت هستند، پیشاپیش حقیقت را می‌دانند.

برای آنارشیست‌ها، مسئله‌ی بنیادی این است که اقدام مستقیم باید اعتماد به نفس تمامی کسانی که آن را انجام می‌دهند افزایش دهد. این تنها زمانی ممکن است که همه صدایی برابر و واقعی داشته باشند.

برای آنارشیست‌های متعهد به مبارزه‌ی طبقاتی، هر انقلاب واقعی باید عمده‌تاً توسط فقیران و طبقه‌ی کارگر سازماندهی شود. بنابراین هر اقدام مستقیمی تنها در صورتی توجیه‌پذیر است که به این گروه‌ها حس قدرت بدهد، حتی اگر مستقیماً در آن درگیر نباشند.

خودشان جامعه را به روشی آزادتر و عادلانه‌تر سازماندهی کنند.

این فرآیند ممکن است با سازماندهی محلی مردم، با به دست گرفتن محل‌های کار و اداره‌ی آنها به نفع خود و جامعه‌اشان، به جای نفع رؤسا و سهامداران، آغاز شود. آنها ممکن است همچنین سرویس‌های خدماتی جامعه را در دست گیرند.

نمونه‌های زیادی از کارگرانی که کارخانجات خود را اداره می‌کنند و از افرادی که خدمات اجتماعی را خودشان سازماندهی می‌کنند، وجود دارد. به عنوان مثال، ۸۰۰ مرکز بهداشتی اجتماعی، کلینیک‌های شهرداری و بیمارستان‌هایی که توسط جنبش زاپاتیست‌ها در مکزیک راه اندازی شده‌اند هنوز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهند. کارگران آرژانتینی که در اوایل دهه ۲۰۰۰، هزاران کارخانه‌ای که صاحبانشان بسته بودند، دوباره باز کردند و به صورت جمعی آن‌ها را اداره کردند.

البته اگر چنین فعالیت‌هایی رشد کنند، احتمالاً با مقاومت دولت یا افرادی که مایل هستند وضعیت را به نفع خود حفظ کنند، روبرو خواهند شد. مردم برای دفاع از دستاوردهایشان در چنین مواردی، در صورت لزوم، به زور متوسل شده‌اند.

ایده‌های آنارشیستی توسط کسانی که از سیستم موجود بهره‌مند هستند به عنوان تهدیدی خطرناک دیده می‌شوند و احتمالاً اگر به نظر برسد که در حال پیشرفت هستند تلاش‌های خشونت‌آمیزی برای سرکوب آن‌ها وجود خواهد داشت. با این حال، هرچه درصد بیشتری از مردم از پذیرش استثمار امتناع کنند، شانس جایگزینی نظم موجود با چیزی بسیار بهتر و با خونریزی کم‌تر، بیشتر خواهد شد.

**فعالیت انقلابی در اساس یک کار
خلاقانه است**



۴۳. چگونه می‌دانیم که انقلاب به هرج و مرج و ویرانی منجر نخواهد شد؟

سیستم فعلی در بسیاری از جنبه‌ها به شدت ناقص است و اگر بشریت بخواهد فقط زنده بماند، باید این سیستم سرنگون شود. از آنجایی که طبقه‌ی حاکم سرمایه‌دار خودخواسته قدرت را رها نخواهد کرد، انقلاب ضروری است.

تمامی انقلاب‌ها موفق نمی‌شوند. انقلاب روسیه نمونه‌ای برجسته از آن است.

با این حال، کارهای زیادی وجود دارد که می‌توانیم انجام دهیم تا اطمینان حاصل کنیم که انقلاب به جای هرج و مرج و ویرانی منجر به جامعه‌ای بسیار بهتر شود. اولین قدم این است که شروع به ایجاد جامعه‌ای جدید در پوسته‌ی جامعه‌ی قدیمی کنیم. به عبارت دیگر، ما باید فرآیند توسعه‌ی ساختارها و تمرین شیوه‌های خودسازماندهی غیرسلسله‌مراتبی را آغاز کنیم.

مالاتستا، آنارشیست ایتالیایی (۱۸۵۳ - ۱۹۳۲)، به نکات زیادی درباره‌ی اهمیت سازماندهی اشاره دارد. چه در مورد سازمان‌های سیاسی خودمان، تعاونی‌های مسکن، اتحادیه‌ها یا یک باغچه‌ی اجتماعی، ما می‌توانیم در اداره‌ی مؤثر و بدون سلسله‌مراتب تجاری کسب کنیم.

دومین نکته این است که باید شروع به گردهم آوردن مردم در سطوح مختلف - محلی، ملی و بین‌المللی - کنیم. هرچه بیشتر مردم به کار و سازماندهی مشترک عادت کنند، موقعیت بهتری خواهیم داشت تا جامعه‌ای جدید که به خوبی سازماندهی شده و جهانی خواهد بود، ایجاد کنیم.

علاوه بر این، هرچه انقلاب کمتر خشونت‌آمیز باشد، بهتر است. مالاتستا در این مورد نیز نکاتی دارد. او استدلال می‌کند که هرچه حرکت انقلابی بزرگ‌تر بوده و تعداد بیشتری از مردم درگیر آن شوند، نیاز به خشونت کمتر خواهد بود. این امر امتداد فرآیند تبدیل رؤیای امان را به واقعیت آسان‌تر می‌کند.

اگر بشریت بخواهد زنده بماند، باید رژیم فعلی را سرنگون کند

۴۴. چرا باید کسی از انقلابی حمایت کند که نتیجه‌اش نامشخص است؟

انقلاب یک رویداد یکباره که در آن جامعه به طور کامل از یک روش زیستن به روش دیگری تغییر کند، نیست. تغییر نتیجه فرآیندی خواهد بود که برای سال‌ها در حال انجام بوده است، چیزی که دربردارنده‌ی تلاش همه‌ی ما در ایجاد دورنما و شرایط تحقق جامعه‌ای جدید خواهد بود. آنچه اکنون انجام می‌دهیم - اقداماتی که انجام می‌دهیم و ساختارهایی که ایجاد می‌کنیم - نوع جامعه‌ای را که در نهایت به آن خواهیم رسید، شکل خواهد داد. بنابراین، اگرچه ما قالب دقیقی برای جامعه‌ی جدید نداریم، نتیجه کاملاً ناشناخته نخواهد بود.

با این حال، مهم است به یاد داشته باشیم که نمی‌توانیم به طور دقیق پیش‌بینی کنیم که چه خواهد شد. بلکه برخی خطرات وجود دارد، ممکن است انقلاب به جامعه‌ای که می‌خواهیم منجر نشود. به همین دلیل است که توسعه‌ی یک افق و شروع به ایجاد

«جامعه‌ی جدید در پوسته‌ی جامعه‌ی قدیمی» اهمیت دارد.

ما در انتظار ایده‌های جدید هستیم و آن‌ها را تشویق می‌کنیم تا در طی فرآیند انقلابی، که اساساً یک فرآیند خلاقانه است، به وجود بیایند. هنگامی که مردم از محدودیت‌های جامعه‌ی کنونی آزاد شوند، قادر خواهند بود روش‌های جدیدی را تصور و به مرحله‌ی عمل درآورند که قبلاً بدان‌ها فکر نشده است. بلکه در این مهم عنصر ناشناخته‌ای وجود دارد. اما این ما خواهیم بود که چیزهای جدید را به وجود خواهیم آورد، آن‌ها به ما تحمیل نخواهند شد.

انقلاب نیز ضروری است. ممکن است دقیقاً ندانیم چه خواهد شد، اما می‌دانیم که آنچه اکنون داریم نمی‌تواند ادامه یابد. مسائلی مانند تغییرات اقلیمی و بی‌عدالتی‌های شدید سرمایه‌داری (و سایر سلسله‌مراتب‌ها) باعث می‌شود که احساس کنیم هیچ انتخابی جز تلاش برای فروپاشی کامل نظم فعلی نداریم.



۴۵. چه بر سر افرادی خواهد آمد که در مقابل انقلاب آنارشیستی می ایستند؟

وقتی مردم این سؤال را می پرسند، اغلب به نظر می رسد که فکر می کنند آنارشیست ها درست مانند آنچه رهبران به اصطلاح دولت های کمونیستی یا دیکتاتورها و برخی از رهبران سرمایه داری امروز انجام می دهند، هر کسی را که مخالف ما باشد، خواهند کشت. روش کار آنارشیست ها قطعاً چنین نیست!

ما همچنین «انقلاب» را به مثابه رویدادی بزرگ و یکباره نمی بینیم، بلکه فرآیندی تدریجی در طی سال ها خواهد بود.

اما پاسخ به سؤال در واقع به این بستگی دارد که مخالفت با انقلاب آنارشیستی چگونه بوده است. اگر کسانی که از ایده های ما خوششان نمی آید، شروع به استفاده از خشونت سرکوبگرانه کنند، طبیعتاً آنارشیست ها و کسانی که با آنها هم نظرند، برای پیروزی خواهند جنگید!

اما اگر کسانی که این انقلاب دلخواهشان نیست، به طرق دیگری مخالفت کنند مانند بحث در مورد راه های دیگر پیشرفت با توزیع جزوه هایی که روش های متفاوتی پیشنهاد می دهند، این کاملاً در حیطه ی حقوق آنهاست و باید بدون هیچ ترسی قادر به انجام آن باشند. ما معتقدیم که دیدگاه های ما بهترین گزینه ای است که در حال حاضر وجود دارد، اما ما می خواهیم با قانع کردن دیگران به اینکه بخشی از این حرکت باشند جامعه ای بهتر بسازیم، نه با مجبور کردن آنها به انجام آنچه ما بهتر می دانیم.

ما می خواهیم مردم به دلیل اینکه فکر می کنند این بهترین راه ممکن زیست است، همراه ما شوند. اگر کسانی با پیشنهاد راه های متفاوت، حتی شیوه های سلسله مراتبی، ما را به چالش بکشند، ما هیچ مشکلی نداریم! اگرچه ما هیچ منطق قابل دفاعی در داشتن جامعه ای که در آن اقلیتی کوچک بر اکثریت بزرگی از ما تسلط داشته باشند، نمی بینیم. چرا اساساً کسی باید چنین چیزی را بخواهد؟

۴۶. آیا این در «طبیعت بشر» نیست که با دیگران برای کسب بهترین‌ها برای خود و خانواده‌اش رقابت کند؟

بسیار عجیب خواهد بود اگر برای خود، خانواده، دوستان و کسانی که شخصاً به آن‌ها اهمیت می‌دهیم، بهترین‌ها را نخواهیم. آنارشیست‌ها تنها کسانی نیستند که معتقدند برای رسیدن به این خواسته‌ها نیازی به «رقابت با» - یعنی زیر پا گذاشتن - دیگران نداریم.

شواهد درحال افزایش هستند و افراد بیشتری وجود دارند که باور رقابتی یا خودخواهی «طبیعت انسان» را به چالش می‌کشند. زمانی که انسان‌ها تکامل پیدا می‌کردند، تعدادشان کم و منابع فراوان بود، نیازی به خودخواهی نبود. این رویکرد هنوز در گروه‌هایی که به شیوه‌های دوران شکارچی-گردآور زندگی می‌کنند، دیده می‌شود. پس اگر ما خودخواه هستیم، این یک بر ساخت جدید

است و به‌طور قطع «طبیعت انسان» نیست.

آنارشیست‌ها معتقدند که اگر همه با هم همکاری کنیم اکثریت ما موجودات بهتری خواهیم بود. رقابت میان ما باعث چنددستگی شده و فقط به نفع ثروتمندان است. حتی در جامعه‌ی سرمایه‌داری فعلی، وقتی کارگران کنار هم می‌ایستند و مبارزه می‌کنند، وضعیت بهتری نسبت به زمانی دارند که به‌عنوان افراد منزوی به‌دنبال چند تکه نان اضافی از رئیس هستند و این دست‌آورد همکاری وقتی گسترش یابد، بسیار بزرگ‌تر خواهد بود.

قبل از اینکه بریتانیا دولت رفاه تحت حاکمیت طبقه‌ی حاکم را معرفی کند، کارگران جوامع پزشکی دوستانه‌ی خود را اداره می‌کردند (آن‌ها پزشکان را استخدام می‌کردند!). حتی در شیلی، تحت دیکتاتوری نظامی، کارگران پروژه‌های یاری متقابل شکل دادند و جنبش‌های اشغال کارخانه‌ها و زمین‌ها در سراسر جهان وجود دارند.

۴۲. آیا بیشتر مردم یک زندگی راحت نمی‌خواهند و با تصمیم‌گیری دیگران راضی‌تر نیستند؟

شاید بسیاری از مردم فقط یک زندگی راحت بخواهند، اما آنچه ما می‌دانیم این است که مردم در محیط اطرافشان زندگی می‌کنند و به آن واکنش نشان می‌دهند. بیشتر افرادی که ما می‌شناسیم در دنیایی بزرگ شده‌اند که حق تصمیم‌گیری برای خود، از آن‌ها گرفته است. از مدارس گرفته که احترام بدون پرسش را به مقامات می‌طلبند تا دولت‌هایی که علی‌رغم اعتراض‌های مردم، تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که تنها به نفع خودشان است. به ما آموخته‌اند که نظرات ما اهمیت ندارد و نباید به چگونگی وضع جهان شک کنیم، به همین شکلی که هست است و تمام. با آن کنار بیایید و از تمام فرصت‌ها و لذت‌هایی که زندگی برای شما فراهم کرده است، لذت ببرید.

چالش آنارشیست‌ها این است که به حفظ پروژه‌هایی که در آن‌ها همکاری میان مردم عادی اکنون صورت می‌گیرد، کمک کرده، از دست‌درازی دولت به آن‌ها یا جایگزین شدنشان جلوگیری کنند و تلاش کنند تا آن‌ها را گسترش دهند و همچنین در برابر حملات فزاینده‌ی کسانی که بیشترین چیز را در صورت یک تغییر واقعی از دست خواهند داد، مقاومت کنند.

ما خواهان جامعه‌ای بهتر هستیم، با متقاعد کردن دیگران برای عضویت در آن، نه با مجبور کردن آنها



۴۸. چگونه ثروتمندان را واداریم که از ثروت خود دست بکشند؟

در حال حاضر، دشوار است کسی بپذیرد که استانداردهای زندگی خود را به نفع توزیع عادلانه‌ی منابع کاهش دهد، به ویژه اگر نسبت به آینده مطمئن نباشد. بسیاری از سخنرانی‌ها، کتاب‌ها، پست‌های رسانه‌های اجتماعی و غیره به وضوح شر نابرابری را توصیف کرده‌اند. اما هنوز هم ثروتمندان ثروتمندتر و قدرتمندتر می‌شوند.

همان‌طور که گفته شد، جامعه‌ی آنارشیستی به‌طور آنی رخ نخواهد داد. با تغییر ایده‌های جامعه، برخی افراد ثروتمندتر خواهند دید که زندگی چیزی بیشتر از صرف افزایش ثروت است. ساختن اجتماعات، رهایی از حرص فردی، به اشتراک گذاری منابع و دیدن منافع یک جامعه‌ی عادلانه‌تر، به تدریج بسیاری از ثروتمندان را قانع خواهد کرد که

این دنیایی است که ما می‌شناسیم و ممکن است به راحتی به این نتیجه برسیم که این همان چیزی است که مردم می‌خواهند. اما این تنها راه ممکن سازماندهی زندگی نیست. جوامعی در سراسر جهان وجود دارند که در آن‌ها مردم به عنوان بخشی از زندگی روزمره فعالانه در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند، برای مثال:

- جوامع بومی

- مناطق لیبرتر [آزادمنش] گذشته در اسپانیا ۱۹۳۶ یا منچوری ۱۹۳۰

- زاپاتیست‌ها و روژاوا در دوره‌ی ما

این مهم در بریتانیا نیز اتفاق می‌افتد. ما می‌بینیم که مردم بارها و بارها برای حل مشکلات جمعی با هم سازماندهی کرده‌اند. گروه‌های یاری متقابل در بحران کووید توزیع اقلام را به دست گرفتند. جوامع دوستانه‌ی دوران‌های گذشته، مثال‌های خوبی هستند. ما می‌دانیم که بسیاری از مردم این توان را دارند و جهانی که در آن همه‌ی ما مسئولیت به عهده بگیریم می‌تواند وجود داشته باشد.

نیازی به مقادیر زیاد ثروت و اموال ندارند.

با نزدیک‌تر شدن به یک جامعه‌ی آنارشیستی، دولت به‌تدریج از بین خواهد رفت، انباشت پول شروع به بی‌فایده شدن خواهد کرد و تمام منابع، مانند مواد خام، محل‌های کار و زمین‌ها، تحت مالکیت اجتماعی قرار خواهند گرفت. همه در تصمیم‌گیری‌ها حق مساوی خواهند داشت و به همه‌ی چیزهایی که توسط جامعه تولید می‌شوند دسترسی آزاد خواهند داشت.

برخی ممکن است سعی کنند به ثروت خود بچسبند. اما تحت آنارشیسم، این افراد دیگر مالک منابعی نخواهند بود که در سرمایه‌داری به انباشت ثروت منجر می‌شود. بدون پول و کار ما، آن‌ها دیگر نمی‌توانند ثروت خود را از طریق سرمایه‌گذاری افزایش دهند. بدون دولت، هیچ طرحی برای انتقال پول از فقیر به غنی از طریق دست‌درازی به خزانه عمومی وجود نخواهد داشت. بدون سیاستمداران،

پلیس، قضات و ارتش، هیچ‌کس از آن‌ها و ثروت‌شان محافظت نخواهد کرد.

اما حتی پس از این همه، اگر درحالی که دیگران کمتر دارند، آن‌ها هنوز هم تلاش کنند تا منابع را انباشت کنند، هر جامعه تصمیم خواهد گرفت که چه برخوردی منصفانه خواهد بود. جوامع ممکن است به آن‌ها اجازه دهند بیشتر داشته باشند یا ممکن است آن‌ها را قانع کنند که از زیاده‌روی‌های خود دست بردارند یا ممکن است اگر لازم باشد به‌زور اسلحه حتی اقدام به بازتوزیع آنچه ثروتمندان انباشته‌اند، کنند.

شواهد فزاینده‌ای نشان می‌دهند که سؤالاتی در مورد اینکه آیا طبیعت انسان همیشه خودخواه بوده است یا خیر وجود دارند



۴۹. قدرتمندان چه؟ چگونه آنان را به اشتراک قدرت واداریم؟

آنارشپیست‌ها بر این باورند که دو نوع قدرت وجود دارد. یکی قدرت بر دیگران است و دیگری قدرت فردی و جمعی ما برای اداره‌ی زندگی‌هایمان است. در یک جامعه‌ی آنارشپیستی هیچ‌کس قدرتی بر دیگران نخواهد داشت.

می‌توانیم امیدوار باشیم که در طی پیشروی به‌سوی یک جامعه‌ی آنارشپیستی افراد قدرتمند مزایای زندگی آزاد و همکارانه را ببینند. اما باور داریم که ممکن است بسیاری نبینند و نخواهند.

چه به‌عنوان یک دیکتاتور و چه به‌عنوان کسی که خشونت خانگی اعمال می‌کند، توانایی مجبور کردن دیگران به انجام آنچه می‌خواهید، می‌تواند بسیار اعتیادآور باشد. فرآیند انقلاب این قدرت را تحلیل خواهد برد، زیرا مردم کنترل زندگی خود را تجربه خواهند کرد، اما بسیاری از

معتادان به قدرت به‌شدت خواهند جنگید تا قدرت‌شان را حفظ کنند.

یک جامعه‌ی آنارشپیستی صرفاً بدین معنی نیست که بتوانید هر کاری که بخواهید انجام دهید، بنابراین کسانی که از رها کردن قدرت خودداری می‌کنند احتمالاً باید توسط جامعه‌ی خود مورد مواجهه قرار گیرند.

چگونگی انجام این مهم توسط هر جامعه، همان‌طور که قبلاً گفتیم، به شرایط خاصی بستگی دارد. ما چندین مثال از اینکه چگونه ممکن است چنین اتفاقی بیفتد ارائه کردیم، اما خود جوامع همچنین راه‌های دیگری نیز بسط خواهند داد.

اما در نهایت، قدرت نمی‌تواند در دست اقلیتی کوچک باقی بماند، باید میان همه‌ی ما تقسیم شود.



۵۰. آیا لازم است که انقلاب در سطح جهانی رخ دهد یا می‌تواند در مقیاسی کوچک‌تر نیز رخ دهد؟

ایده‌آل این است که انقلاب آنارشستی در سطح جهانی اتفاق بیفتد. بدیهی است که با حذف تمامی مرزهای ملی همکاری بین نقاط مختلف جهان آسان‌تر خواهد بود.

اما ما واقع‌گراییم و می‌دانیم که ممکن است این امر هم‌زمان در سطح جهانی اتفاق نیفتد. احتمالاً این تغییرات ابتداء در مقیاس کوچک‌تر آغاز خواهند شد.

در حال حاضر آنارشست‌ها و حامیان آن‌ها در سرتاسر جهان وجود دارند. یکی از راه‌هایی که ممکن است این اتفاق بیفتد این است که شیوه‌های آنارشستی در یک منطقه‌ی خاص مسلط شوند. این ممکن است باعث شود که آنارشسیم و ایده‌های آن در سطح وسیع‌تری ریشه دوانده و در بیشتر کشورها گسترده شوند به گونه‌ای که آنارشست‌ها در آنجا احساس قدرت

بیشتری کرده و دیگران نیز به آنارشسیم جذب شوند.

برخی از دولت‌ها نسبت به دیگران سرکوب‌گرتر هستند و شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگ سیاسی آن‌ها متفاوت است. این بدین معنی است که انقلاب احتمالاً با سرعت‌های متفاوتی گسترش خواهد یافت.

آنارشست‌ها به پول اعتقادی ندارند. بنابراین، اگر آنارشسیم فقط در یک یا دو منطقه شروع شود، چگونه به تجارت خواهند پرداخت؟ درباره‌ی این موضوع در آن زمان تصمیم‌گیری خواهد شد، اما چند ایده وجود دارند. انقلاب ممکن است به اندازه‌ای گسترش یابد که نیازهای اساسی ما در درون فضای انقلابی تأمین شود. شاید تصمیم بگیریم که از چیزی که واقعاً به آن نیاز نداریم صرف‌نظر کنیم. ممکن است با مناطق کمتر انقلابی مبادله کنیم. شاید به توافقی نیز برسیم و کالاهایی که تولید می‌کنیم را به مکان‌های دیگر بفروشیم و از این پول برای خرید کالاهای مورد نیاز در مناطق

آزادشده استفاده کنیم. یا از پولی که از چنگ بانک‌ها گرفته‌ایم استفاده کنیم.

پیش‌بینی دقیق نحوه یا امکان‌پذیری تجارت دشوار است. عوامل زیادی در این مهم نقش خواهند داشت که اکنون حتی نمی‌توانیم حدس بزنیم. اما بله، ما فکر می‌کنیم که یک انقلاب آناارشیستی می‌تواند از مقیاس کوچکتر شروع شده و سپس رشد کند. با این حال، اگر این انقلاب هم‌زمان در سطح جهانی رخ دهد، بسیار عالی خواهد بود.

جوامعی وجود دارند که افراد به عنوان بخشی از زندگی روزمره به طور فعال در تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند



در نهایت، قدرت نمی‌تواند در دست اقلیت کوچکی باشد و باید به اشتراک گذاشته شود

انباشت ثروت نهایتاً بی‌فایده خواهد بود

۵۱. آیا حقیقتاً می‌توانیم تغییری ایجاد کنیم؟

پاسخ ساده این است: «بله، می‌توانیم». اگر نمی‌توانستیم، جامعه همان‌طور که همیشه بوده باقی می‌ماند و به‌وضوح چنین نیست. ما حق الهی پادشاهان را از میان بردیم؛ قدرت کلیسا به‌شدت کاهش یافته است و بسیاری از آداب و رسوم ددمنشانه ناپدید شده‌اند. چیزهایی که اکنون طبیعی در نظر گرفته می‌شوند، مانند تعطیلات یا آخر هفته‌های با حقوق، سخاوتمندانه از سوی کارفرمایان به ما داده نشده‌اند، بلکه نسل‌های قبلی برای آن‌ها جنگیده‌اند. در سال‌های اخیر، این دستاوردها توسط قوانینی که اعتصابات را محدود می‌کنند و قدرت بیشتری به کارفرمایان می‌دهند، تضعیف شده‌اند. اما کارگران در اتحادیه‌های پایه‌ای تجاری جدید به مقابله پرداخته و پیروزی‌های قابل توجهی کسب کرده‌اند.

مثال‌هایی در زمینه‌های دیگر نیز وجود دارند. زنان به پیشرفت‌های بزرگی در جهت برابری در جامعه دست یافته‌اند (هرچند که هنوز کافی نیستند). افراد دارای معلولیت نیز برای حقوق خود مبارزه کرده و پیروزی‌هایی به‌دست آورده‌اند. این اصلاحات بسیار کمتر از آن چیزی است که آنارشیست‌ها می‌خواهند. دستاوردهای بیشتر نیازمند جایگزینی سرمایه‌داری و دولت با جامعه‌ای بر پایه‌ی اصول آنارشیستی‌ست.

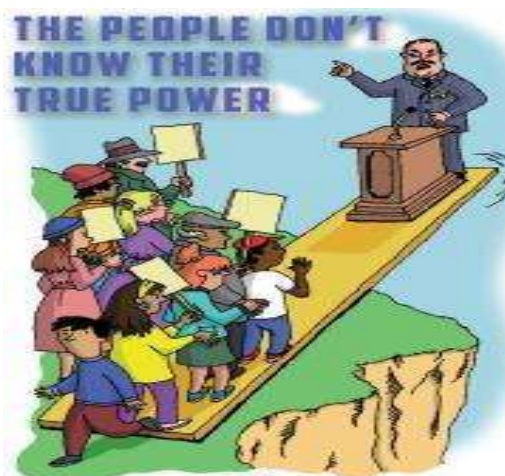
دو نمونه‌ای که بسیاری از آنارشیست‌ها به آن‌ها اشاره می‌کنند، اسپانیای دوران جنگ داخلی و جامعه خودمدیریتی بومی چران (Cheran) در میچوآکان، مکزیک است.

در سال ۲۰۱۱، تحت رهبری زنان محلی، مردم چران برای دفاع از جنگل‌هایشان در برابر جنگل‌خواران مسلح قیام کردند و هم‌زمان پلیس و سیاستمداران فاسد را نیز از منطقه بیرون کردند. احزاب سیاسی پس زده



**مردم در جامعه آنارشیستی
می‌توانند رؤیاهای خود را
پیگیری کنند**

**... اشخاص می‌توانند هر کجا
مایل هستند کار معنادار و
جالبی پیدا کنند**



29

شدند. هر کسی با استفاده از دموکراسی مستقیم حق اظهارنظر دارد و تصمیمات با اجماع گرفته می‌شوند، از تخصیص مشاغل ساخت‌وساز محلی گرفته تا تخصیص خدمات عمومی.

در دوران جنگ داخلی اسپانیا در سال ۱۹۳۶، گروه‌های سازمان‌یافته بر اساس اصول آنارشیستی، کارخانه‌ها، آسیاب‌ها، اسکله‌ها، حمل‌ونقل، فروشگاه‌ها و خدمات عمومی را بدون مدیران یا دولت اداره کردند. دهقانان کنترل جمعی زمین‌ها را به دست آوردند. در بسیاری از مناطق، پول حذف شد. این گروه‌ها برابری اقتصادی بر اساس نیاز و توانایی ایجاد کردند. این نمونه‌ای درخشان بود از آنچه امکان‌پذیر است.

**ما معتقد هستیم که انقلاب
آنارشیستی می‌تواند در مقیاس
کوچکی آغاز شود و سپس
گسترش یابد**

۵۲. پس از خود بپرسید چگونه آینده‌ای برای خود و جهان می‌خواهیم؟

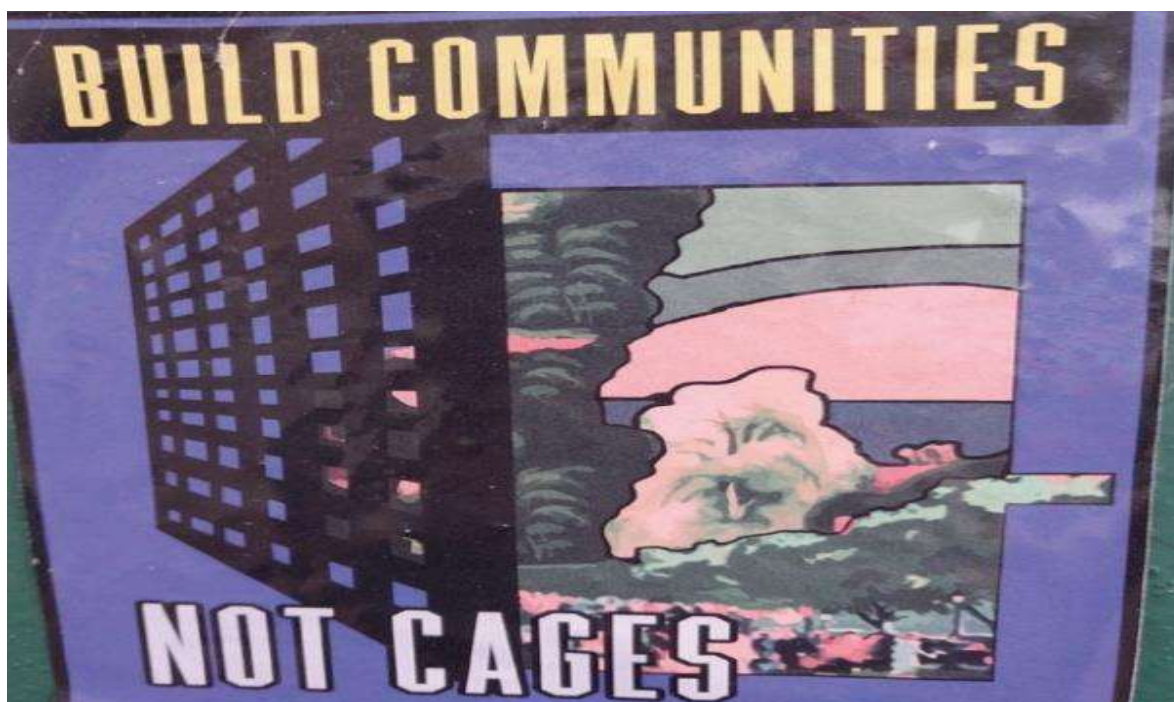
یک جامعه‌ی آنارشیستی، جامعه‌ای منصفانه‌تر، برابرتر و دموکراتیک‌تر خواهد بود.

یک سیستم غیر سلسله‌مراتبی که در آن هر کسی حق اظهارنظر در چگونگی اداره‌ی جامعه دارد.

جایی که تصمیمات بدون نیاز به درنظر گرفتن سود شرکت‌ها یا منافع فسادآور سیاستمداران و افراد ثروتمند، به نفع اجتماع محلی و جامعه‌ی وسیع‌تر اتخاذ می‌شوند.

میلیون‌ها نفر از شغل‌هایی مانند بخش مالی که هیچ نفعی برای جامعه ندارند رها خواهند شد.

جامعه‌ای که در آن هیچ‌کس گرسنه نمی‌ماند و همه به داروهایی که نیاز دارند و بهترین خدمات بهداشتی و درمانی دسترسی خواهند داشت. جایی که مردم می‌توانند به‌دنبال رؤیاهای خود بروند، آموزش مورد نظر خود را دریافت کنند، کارهای معنی‌دار و جالب پیدا کنند و بدون موانع یا محدودیت‌ها سفر کنند یا در هر جایی که دوست دارند ساکن شوند.



واژه نامه:

آنارشی:

دقیقاً به معنای «بدون قدرت» است — برگرفته از یونانی، بدون (an) قدرت یا اقتدار (archy). آنارشیزم یعنی هر کسی باید بدون داشتن هیچ قدرتی بر دیگران زندگی کند.

اتحادیه های تجاری بنیادین:

اتحادیه های بین المللی کارگران جهان، اتحادیه ی کارگران متحد و مستقل، و صدای متحدان جهان سه مورد از اینها هستند. اینها توسط کارگرانی که می خواستند به جای اینکه توسط اتحادیه های اصلی کنترل و فروخته شوند، کنترل مبارزات خود را به دست گیرند تأسیس شدند.

اجماع یا تصمیم گیری بر بنیاد اجماع:

در اینجا به جای رأی گیری صرف، گروهی در باره مسئله ای بحث و تلاش می کنند تا همه ی افراد درگیر بحث یا همه ی گروه به یک توافق برسند. این کار گاهی اوقات زمان بر بوده و لازم است افراد، چه با آمادگی برای مصالحه و چه با جستجوی پاسخ های مختلف،

انعطاف پذیرتر باشند. رسیدن به توافق کامل همیشه ممکن یا عملی نیست، بنابراین طی سال ها دستورالعمل هایی برای کمک به تصمیم گیری گروه ها در صورتی که توافق حاصل نشود، توسعه یافته است. برای شروع به

www.seedsforchange.org.uk/co

nsensus مراجعه کنید. بسیاری از جوامع در سراسر جهان به این روش تصمیم گیری می کنند و برای بسیاری از قراردادهای تجاری بین المللی به این روش توافق صورت می گیرد. مسئله این است که کسانی که در قدرت هستند دوست دارند ما را فریب دهند که رأی گیری تنها روش ممکن است، زیرا این باور به نفع قدرتمندان است.

اسپانیای ۱۹۳۶:

انقلاب کارگری که با شروع جنگ داخلی اسپانیا در سال ۱۹۳۶ آغاز شد و به مدت دو تا سه سال منجر به پیاده سازی گسترده ی اصول سازماندهی آنارشیستی و به طور عام اصول سوسیالیسم آزادمنش (لیبرتر) در بخش های مختلف کشور شد. به ویژه در بارسلونا، اتحادیه ی کارگری آنارکو-سندیکالیست CNT (که اعضایش اداره می کردند) به

طور بسیار کارآمد همه چیز، از کارخانه‌ها گرفته تا حمل و نقل عمومی و تلفن را اداره می‌کرد. در مناطق روستایی، مردم یک قدم جلوتر رفتند، زمین‌ها را جمع‌ی کردند و پول را لغو کردند.

اکراین ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱:

در حالی که دهقانان زمین‌ها را در اختیار می‌گرفتند، نستور ماخنو و یارانش در سال ۱۹۱۷ ارتش آنارشستی را راه‌اندازی کردند. ماخنو و حامیانش تلاش کردند تا زندگی اجتماعی و اقتصادی را به شیوه‌های آنارشستی سازماندهی کنند، از جمله برپایی کمون‌ها در املاک خصوصی بزرگ، توزیع مجدد زمین و سازماندهی انتخابات آزاد به شوراهای محلی (شوراها) و کنگره‌های منطقه‌ای. در همین حال، موجی از اشغال زمین‌های دهقانان به‌طور خودجوش از فوریه ۱۹۱۷ در سراسر روسیه گسترش یافت.

انقلاب روسیه:

اگرچه این انقلاب با سازماندهی محلی زیادی آغاز شد- برخی از آنارشست‌های روسیه در سال ۱۹۱۷ «شوراها» را

مشابه با «اجتماعات» امروز ما می‌دیدند - حزب کمونیست به سرعت رویکرد غیرسلسله‌مراتبی «پایین به بالا» را نابود کرد و رویکرد کاملاً سلسله‌مراتبی «بالا به پایین» را با استفاده از خشونت‌های زیاد علیه هر کسی که اعتراض داشت به اجرا درآورد.

پاسخگو / پاسخگویی:

این به معنی پاسخگویی نسبت به اقدام‌ها و تصمیمات خود در برابر دیگران، مانند همکاران، همسایگان و غیره است.

تضاد طبقاتی:

به درگیری‌های دائمی و گسترده بین طبقه‌ی کارگر/استثمارشده و طبقه‌ی حاکم/استثمارگر اشاره دارد. تقریباً همه در گروه اول هستند، اگرچه برخی هنوز برای منافع طبقه‌ی حاکم کار کرده یا خود را با آن‌ها هویت‌یابی می‌کنند یا از مقدار نسبتاً کوچکی از اموال یا ثروت برخوردارند.

تعاونی‌ها (برای مثال تعاونی‌های کارگری و مسکن):

یک تعاونی سازمانی است که تحت مالکیت اعضای آن بوده و توسط آنان

تصمیمات را از طریق برخی روش‌های
توافقی تصمیم‌گیری اتخاذ می‌کنند.

جوامع دوستانه:

این‌ها سازمان‌های خودیاری و یاری
متقابل کارگران بودند. اولین آن‌ها در
حدود سال ۱۵۰۰ آغاز شد. تا زمانی که
به‌طور مؤثر با سلسله‌مراتب استبدادی
دولت رفاه جایگزین نشده بودند، آن‌ها
همه چیز را، از بیمه در برابر بیکاری
موقت گرفته تا پزشکان عمومی و
بیمارستان‌ها را برای اعضای خود تأمین
می‌کردند.

حل اختلاف:

به «واسطه‌گری» مراجعه کنید.

خانواده‌ی هسته‌ای:

به‌طور سنتی به خانواده‌ای اشاره دارد
که شامل یک شوهر، همسر و فرزندان
است، جایی که مرد غالب است.

خودسازمان‌دهی:

روش دیگری برای توصیف سازماندهی
غیر سلسله‌مراتبی، زیرا مردم بدون
اینکه نیروهای بیرونی یا بالاتر به آن‌ها
بگویند چه کنند خود تصمیم می‌گیرند
چه اتفاقی بیفتد. نظم «افقی» کلمه‌ی

کنترل می‌شود تا نیازهای مشترک‌شان را
برآورده کند. اعضا می‌توانند کارگران،
ساکنان یا هر کسی که نظری در مورد
نحوه‌ی اداره تعاونی دارد، باشند. در
یک تعاونی کارگری، محل کار به‌طور
مساوی توسط همه‌ی کسانی که در آنجا
کار می‌کنند اداره می‌شود (و واقعاً
منظور ما همه است). اگر مردم
بخواهند، یک تعاونی می‌تواند شامل
افراد محلی نیز باشد. در یک تعاونی
مسکونی، تعداد معینی از خانه‌ها (مثلاً
همه‌ی خانه‌های یک خیابان یا محله)
به‌طور برابر توسط همه‌ی کسانی که در
آنجا زندگی می‌کنند اداره می‌شود.

تمرکززدایی:

دولت‌های کاپیتالیستی متمرکز هستند.
اینجا، بزرگترین قدرت در مرکز است،
اغلب از طریق یک نفر (رئیس‌جمهور یا
نخست‌وزیر). در سیستم‌های غیر
سلسله‌مراتبی، قدرت توسط مجامع
نگهداری می‌شود و بنابراین غیرمتمرکز
است.

جمع‌ها (امر جمعی):

گروهی از افراد که باهم به‌سوی هدفی
مشترک کار می‌کنند و به‌طورکلی

دیگری است که برای توصیف نقطه‌ی مقابل نظم سلسله‌مراتبی استفاده می‌شود. عبارت مشابه دیگر «دموکراسی مشارکتی» است زیرا برخلاف دموکراسی‌های نمایندگی کنونی که مردم تنها هر چند سال یک بار رأی می‌دهند، همه در تمام زمان‌ها در وضعیت مشارکت دارند.

روژاوا، از ۲۰۱۲ تاکنون:

روژاوا (در بخش کردستان شمالی و شرقی سوریه) تلاش کرده است تعدادی از ایده‌های آنارشستی را پیاده کند. این منطقه به دنبال برابری جنسیتی و رواداری با تمامی نژادها، ادیان و دیدگاه‌های سیاسی بدون سلسله‌مراتب است. برخی از عناصر این انقلاب به شیوه‌های آنارشستی سازماندهی شده‌اند و نشان می‌دهند که این امر در دنیای مدرن ممکن است. این دستاوردها در حالی به دست آمده است که روژاوا درگیر منازعات مسلحانه با داعش، سوریه و ترکیه بوده و با تحریم‌های شدید مواجه است.

زاپاتیست‌ها:

ارتش زاپاتیست‌های آزادی ملی با تصرف مسلحانه‌ی کوتاه مدت هفت

شهر در منطقه‌ی چیاپاس مکزیک در روز اول سال نو ۱۹۹۴ اعلام موجودیت کرد و به توافقنامه‌ی تجارت آزاد ایالات متحده/مکزیک (NAFTA) اعتراض کرد. پس از این، مردم محلی مالکان زمین‌ها را از املاکشان اخراج کرده، مالکیت خصوصی را لغو و جوامع خودمختار تأسیس کردند. با وجود درگیری‌های متناوب با دولت مکزیک این جوامع همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. آن‌ها به‌طور عمده خودکفا بوده و مستقلاً به اداره‌ی تعاونی‌های کارگری، مزارع خانوادگی، فروشگاه‌های اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی عمومی می‌پردازند و قویاً به دنبال برابری زنان هستند. مانند روژاوا، نظرات مختلفی درباره‌ی رابطه‌ی میان شاخه‌ی مسلح و اجتماعات عمومی وجود دارد. آن‌ها از طریق «ملاقات‌ها»/مجمع‌های بین‌المللی خود، به‌طور مداوم با سایر جنبش‌های پایه‌ای از جمله آن‌هایی که خارج از مکزیک هستند، ارتباط برقرار کرده‌اند.

دموکراسی مستقیم:

هرکس قدرت تصمیم‌گیری مستقیم (در مجامع) را دارد، به‌جای اینکه در

انتخابات این قدرت را به سیاستمداران (که به آن دموکراسی غیرمستقیم یا نمایندگی گفته می‌شود) واگذار کند.

دموکراسی مشارکتی:

به «خودسازمان‌دهی» مراجعه کنید.

دموکراسی نمایندگی:

رأی‌گیری هر ۴ یا ۵ سال یک بار که پس از آن شما هیچ نقشی در تصمیم‌گیری‌ها ندارید و رهبران به اصطلاح منتخب هر کار که بخواهند انجام می‌دهند.

دولت:

حکومت‌ها، مجالس، اشراف و تمام نهادها، پرچم‌ها و مرزهای یک کشور که با آن‌ها تعریف می‌شود همراه با این انتظار که همه چیز از طریق آن‌ها انجام شود. دولت همچنین آموزش، فرهنگ، خدمات بهداشتی، رسانه‌ها، ادیان، شهرداری‌ها و بازار را تا حدی اداره یا تنظیم می‌کند و با نیروهایی مانند پلیس، دادگاه‌ها، زندان‌ها، ارتش و شبکه‌های جاسوسی کنترل را حفظ می‌کند.

دیکتاتوری:

نوعی از حکومت که یک رهبر یا گروهی

از رهبران قدرت‌های حکومتی را با محدودیت‌های کم یا بدون محدودیت در دست دارند.

سرمایه‌داری:

سیستم فعلی که در آن زندگی می‌کنیم. کاپیتالیسم سیستمی اقتصادی، سیاسی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی است که در آن عده‌ای اندک مالک و کنترل‌کننده‌ی اموال هستند تا منافع خود را تأمین کنند. جامعه‌ای از رؤسا، سودگران، مالکین زمین و غیره و شکاف بین ثروتمندان و فقیران.

سوسیالیسم اقتدارگرا/کمونیست‌ها:

به «سوسیالیسم دولتی» مراجعه کنید.

سوسیالیسم دولتی:

کشورهایی مانند چین، اتحاد جماهیر شوروی، کوبا و بسیاری دیگر که خود را سوسیالیست یا کمونیست نامیدند اما با دولت بسیار قدرتمندی که هر جنبه‌ای از زندگی و اقتصاد را کنترل می‌کند، عمل می‌کنند. سوسیالیست‌ها/کمونیست‌های خودکامه کسانی هستند که از این نوع سیستم‌ها دفاع می‌کنند و قصد دارند سیستم‌های مشابهی را ایجاد کنند (هرچند ممکن است ادعا کنند که

قصد دارند چیزهایی را به طور متفاوت انجام دهند).

سیاست هویت:

رویکرد سیاسی که در آن افراد دارای نژاد، ملیت، مذهب، جنس، جنسیت، گرایش جنسی یا عامل شناسایی خاص دیگری، دستور کارهای سیاسی خود را بر اساس این هویت‌ها توسعه می‌دهند. سیاست هویت دریوند با این ایده است که برخی گروه‌ها در جامعه تحت ظلم هستند و با تحلیل این ظلم آغاز می‌شود.

شوراها:

به «شوراهای کارگری» رجوع کنید.

شوراهای کارگری، شوراها، کمیته‌ها و گروه‌های کارگری:

این‌ها برخی از انواع سازمان‌هایی هستند که مردم را در محیط‌های کاری و جوامع‌شان گرد هم می‌آورند. آن‌ها مشابه با «مجمع‌هایی» هستند که ذکر شد.

شورش‌های استون‌وال:

همچنین به نام قیام استون‌وال شناخته می‌شود. شورش زمانی آغاز شد که پلیس

نیویورک در ۲۸ ژوئن ۱۹۶۹ به بار استون‌وال، یک باشگاه همجنس‌گرایان واقع در محله گرینویچ حمله کرد. چون پلیس به کارکنان و مشتریان حمله کرده بود این حمله شورش در میان کسانی که در بار بودند و ساکنان محله به راه انداخت. این شورش به شش روز اعتراض و درگیری‌های خشونت‌آمیز با پلیس در بیرون از بار، در خیابان‌های همسایه و در پارک کریستوفر منجر شد. شورش‌های استون‌وال جنبش حقوق همجنس‌گرایان را در ایالات متحده و در سراسر جهان آغاز کرد.

طبقه / طبقه‌ی کارگر / طبقه‌ی حاکم:

تعاریف مختلفی از طبقه وجود دارد، اما به طور عام تقسیم به دو طبقه اشاره دارد — طبقه‌ی حاکم که قدرت، ثروت و ارتباطات دارد و طبقه‌ی کارگر که تنها نیروی کار خود را برای کسب معاش فروخته و تنها قدرتی که دارد قدرتی است که از طریق یاری متقابل و همبستگی با باقی طبقه‌ی خود کسب می‌کند.

طبقه‌ی حاکم:

به «طبقه» رجوع کنید.

طبقه‌ی کارگر:

به «طبقه» مراجعه کنید.

عدالت بازسازنده:

این نوع عدالت تلاش می‌کند تا هر دوی قربانی و جامعه را به وضعیت پیش از جرم بازگرداند، اما یک قدم فراتر می‌رود. مجرمان تشویق می‌شوند تا گناه خود را پذیرفته و برای جبران کنند.

عدالت تحولی:

این نوع عدالت به دنبال تحول افراد درگیر است و تلاش می‌کند تا جامعه به‌طورکلی و همچنین افراد درگیر را تغییر دهد. این نوع عدالت سعی دارد به قربانیان پاسخ‌هایی به این که چرا قربانی شده‌اند، ارائه دهد. همچنین لازم می‌داند که مجرم معمولاً با کمک دیگران به تغییر خود بپردازد.

عدالت ترمیمی:

در اینجا «مجرم» با جبران خسارات ناشی از جرم، چه با پول و چه با خدمات، به قربانی غرامت می‌دهد.

فاشیسم:

باور سیاسی راست افراطی، ایده‌ای

استبدادی، فوق‌ملی‌گرایانه،

نژادپرستانه و خشونت‌آمیز است. فاشیست‌ها به وجود یک دیکتاتور قدرتمند اعتقاد دارند که با استفاده از زور به‌طور دقیق همه‌ی جنبه‌های جامعه را کنترل می‌کند

کارشکنی (سابوتاژ):

ممانعت عمدی، آسیب یا تخریب (چیزی) با اهداف سیاسی و اقتصادی. «سابو» (sabot) که از آن کلمه‌ی کارشکنی/سابوتاژ آمده است، نام کفش‌های چوبی بود که کارگران فرانسوی داشتند و با قرار دادن آن‌ها در چرخ دنده‌های ماشین‌های تولیدی، روند تولید را مختل می‌کردند.

کمبود:

تفاوت بین مقدار چیزی که مورد نیاز است و مقداری که در دسترس است.

کمون پاریس:

این کمون در سال ۱۸۷۱ به مدت دو ماه برقرار بود. پس از بیرون راندن ارتش فرانسه، شهروندان پاریس آن را یک کمون مستقل اعلام کردند. تمام اعضای منتخب شورای مرکزی می‌توانستند فوراً فراخوانده و عزل شوند و حقوق پایه‌ی

کارگری دریافت می‌کردند. سیاست‌ها نیازهای فوری طبقه‌ی کارگر را منعکس می‌کردند. کارگران شرکت‌هایی را که صاحبانشان رها کرده بودند، به تصرف خود درآوردند. اجاره‌ها، پلیس و کار کودکان ملغی شد و کلیسای کاتولیک قدرت خود را از دست داد. ارتش فرانسه با نیروی زیاد بازگشت و شورش سرکوب شد.

کمونیسم (کمونیست‌ها):

روشی برای سازماندهی که در آن تمام اموال و منابع در مالکیت جامعه بوده و هر فرد بر اساس توانایی‌های خود مشارکت می‌کند و بر اساس نیازهای خود دریافت می‌کند. با این حال، طی سال‌ها معنی آن تحریف شده و کسانی که در قدرت هستند یا رسانه‌ها عمداً آن را با «سوسیالیسم تحت حاکمیت دولت» اشتباه می‌گیرند (به «سوسیالیسم تحت حاکمیت دولت» مراجعه کنید).

کمیته‌های کارخانه‌ای:

به «شورای کارگران» مراجعه کنید.

مجامع:

همچنین تحت عنوان «مجامع مردمی»

شناخته می‌شوند؛ سطوح ابتدائی سازماندهی در یک سیستم غیرسلسله‌مراتبی. این مجامع به روی همه باز هستند و گروهی هستند که تصمیمات را اتخاذ می‌کنند. بحث درباره‌ی چگونگی عملکرد گروه در یک جلسه‌ی گروهی یا مجمع تصمیم‌گیری می‌شود (می‌تواند به صورت رودررو یا با استفاده از فناوری باشد). هر کسی در آن منطقه یا محل کار مورد استقبال قرار گرفته و در اداره‌ی امور و تقسیم‌کار نظر برابری دارد.

ملی‌گرایی:

باوری که وفاداری، تعهد یا اتحاد به یک ملت یا دولت ملت را مطالبه می‌کند. همچنین باور دارد که این مطالبات بر منافع فردی یا گروهی دیگر، به ویژه منافع طبقاتی، برتری دارد. این ایده اغلب بنیادی برای ظهور نژادپرستی یا فاشیسم است. آنارشیست‌ها به دنبال جامعه‌ای بدون ملی‌گرایی هستند.

منطقه‌ی آنارشیستی منچوری:

این منطقه در شمال شرق چین کنونی بود که از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۱ برقرار بود. منطقه شامل فروشگاه‌هایی بود که همه چیز در آن‌ها رایگان بود. به همراه

مجامع منطقه‌ای تعاونی‌های کارگری و دهقانی و آموزش رایگان در سراسر منطقه نیز راه‌اندازی شده بود.

نظم آزادی‌خواه:

نقطه مقابل نظم استبدادی. تعریف ما اینجا این است که این بدین معنا نیست که مردم می‌توانند هر کاری که می‌خواهند انجام دهند، بلکه هیچ‌کس مجبور به انجام کاری نمی‌شود و تمام تصمیمات توسط همه و با داشتن حق اظهار نظر برابر گرفته می‌شوند. دیگران تعاریف متفاوتی دارند.

نظم سلسله‌مراتبی:

به نظم «غیر سلسله‌مراتبی» مراجعه کنید.

نظم غیرسلسله‌مراتبی:

این وضعیتی است که در آن هیچ رهبری، رئیس‌جمهور یا نقش مدیریتی و هیچ نقش پایین‌تری نیز وجود ندارد. در عوض، اعضای یک گروه، سازمان یا جمع به طور برابر در نحوه‌ی اداره گروه، اهداف و چگونگی رسیدن به آن‌ها مشارکت دارند. سلسله‌مراتب هر رابطه‌ای است که نابرابر باشد. ما در

بسیاری از سلسله‌مراتب‌ها زندگی می‌کنیم. برخی از آنها واضح است، مانند داشتن سیاستمداران و مدیران در رأس و برخی کمتر واضح، مانند اینکه بعضی از افراد به دلیل جنسیت یا پس‌زمینه‌ی طبقاتی خود اعتماد به نفس داشته و شنیده می‌شوند. آنارشیست‌ها مخالف تمام سلسله‌مراتب‌ها هستند.

نمایندگان:

افرادی که از سوی یک مجمع برای نمایندگی حقیقی مردم به جلسات بزرگ‌تر فرستاده می‌شوند. آن‌ها از مجامع خود دستورالعمل‌هایی برای انجام کارهای خاص دریافت می‌کنند و بنابراین خود در موقعیت اعمال قدرت قرار نمی‌گیرند. نمایندگان می‌توانند به سرعت برکنار شوند (مجمعی که آن‌ها را فرستاده، می‌تواند آن‌ها را جایگزین کند) که این مانع از بیان نظرات متفاوت با دیدگاه‌های مجامع آن‌ها می‌شود.

نمایندگان قابل فراخوانی:

به «نمایندگان» رجوع کنید.

واسطه‌گری و حل اختلاف:

این وقتی است که افراد آموزش‌دیده تلاش می‌کنند به دیگری که نمی‌توانند

در مورد موضوعی به توافق برسند، کمک کنند تا بر سر مسئله به اجماع دست یابند. میانجی‌گری تمایل دارد که افراد یا گروه‌ها بهترین راه‌حل را برای پیشبرد کار پیدا کنند به‌طوری که همه راضی باشند. حل اختلاف معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که افراد یا گروه‌ها بیشتر با یکدیگر درگیر هستند. در سطح کوچک، ممکن است به گروهی کمک شود تا به تصمیمی برسند که همه بتوانند آن را بپذیرند. در سطح بزرگ‌تر، ممکن است برای متوقف کردن جنگ‌ها از طریق میانجی‌گری بین طرفین باشد. هر دوی این‌ها در جامعه کنونی اتفاق می‌افتد. در یک جامعه‌ی آنارشیستی، بیشتر ما به این کمک‌ها دسترسی خواهیم داشت و همچنین آموزش‌های لازم برای کمک به دیگران را خواهیم دید.

همبستگی:

کمک و یاری متقابل بر اساس نیاز و انتظار نداشتن چیزی در ازای آن.

یاری متقابل:

کمک متقابل. یاری و حمایت از یکدیگر بر اساس نیاز و بدون انتظار هیچ چیزی در ازای آن.

جزوه‌ای را که خواندید، گروه Rebel City برای نخستین بار در تابستان ۲۰۲۳ منتشر کرد. یک آنارشیست فارسی‌زبان آن را در تابستان ۲۰۲۴ ترجمه کرد و یک آنارشیست دیگر ویرایشش را در زمستان ۲۰۲۵ (۱۴۰۳) خورشیدی) به پایان رساند و یاران کوردزبان مسئولیت صفحه‌بندی، نشر و پخش کاغذی و دیجیتالی آن را به عهده گرفتند. شما هم می‌توانید به انتشار هر چه گسترده‌تر آن به جمع پیش‌گفته یاری رسانید.

زنده‌باد آزادی - زنده‌باد برابری - زنده‌باد یاری

متقابل و انترناسیونالیسم - زنده‌باد آنارشی

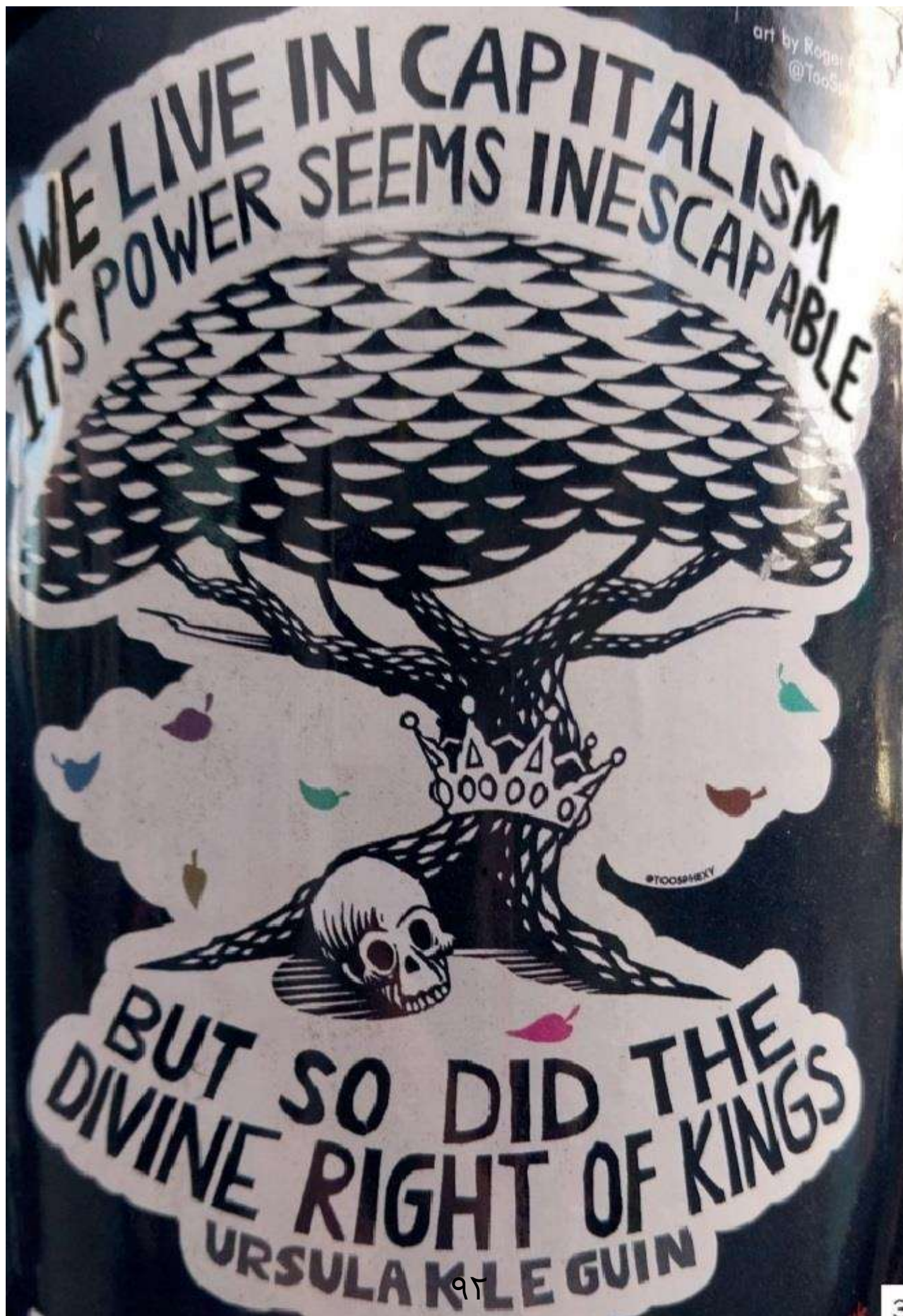


Image Credits

1, 10, 11, 12, 15, 29 Dave McTaggart; 2 Ben Schumin; 3 Clifford Harper; 4 Leo Reynolds; 5 circus; 6 Charles Edward Miller; 7 iamrenny; 13 m.a.r.c.; 14 Donald Trung Quoc Don; 16 Levin Holtkamp; 17 Laurie Shaul; 18 Steve Rhodes; 19 Ivan Radic; 20 Subvertisers for London; 21 Jepps Books; 22 Joanbanjo; 23 Sam Saunders; 24 Hawar News; 25 Andrew Ratto; 26 3naTKo KoctaAuHos; 27 William Murphy; 28 weareadg.org; 30 PM Press; 31 Sascha Grosser

Further Reading

What follows is a selection of books and websites that inspired a load of us to become anarchists or want to find out more about this inspirational view that ordinary people can organise society and all its bits and pieces much better than politicians.

A lot of these books have been digitally copied and made free on the internet. Places to start looking

for them could be
<https://theanarchistlibrary.org>
<https://libcom.org/library/>

If you buy the books don't use Amazon or some other dodgy supplier. Support Anarchist shops and distributors. Some we know of are:

AK Press
www.akuk.com

Freedom Bookshop
www.freedompress.org.uk

PM Press:
<http://www.pmpress.org>

Active Distribution
www.activedistributionshop.org

Some other websites that are worth visiting are:
Anarchist Frequently Asked Questions:
<http://anarchism.pageabode.com/afaq/index.html>

A Infos
<http://www.ainfos.ca>
Reading List

Colin Ward

Anarchy in Action

180 pages 1973

With chapters on the family, schools, housing, crime, employment, welfare, deviancy, planning, and more, this is probably the best practical example of anarchist ideas in action. As he writes in his introduction, "This book is not intended for people who had spent a lifetime pondering the problems of anarchism, but for those who either had no idea of what the word implied or knew exactly what it implied and rejected it, considering that it had no relevance for the modern world".

Alexander Berkman

ABC of Anarchism

145 pages 1929

Berkman was born in 1870 under Tsarist dictatorship, emigrated to the US and was jailed for fourteen years after shooting an industrialist whose thugs had opened fire on striking workers. This book by one of the most gifted writers for the

anarchist movement answers some of the charges made against it and presents the case for communist anarchism clearly and intelligently. Thorough and well stated, it is today regarded as a classic statement of the cause's goals and methods.

Peter Gelderloos

Anarchy Works

281 pages 2016

Gelderloos takes examples from around the world, picking through history and anthropology, showing that people have, in different ways and at different times, demonstrated mutual aid, self-organization, autonomy, horizontal decision making, and so forth--the principles that anarchy is founded on--regardless of whether they called themselves anarchists or not. This is an inspiring answer to the people who say that anarchists are utopian: a point-by-point introduction to how anarchy can and has actually worked.

Lorenzo Kom'boa Ervin

Anarchism and The Black
Revolution and Other Essays
2013

From Lorenzo "I wish to introduce young people and especially Black people and other people of color to revolutionary Anarchist ideals. This book will discuss Anarchism and its relevance to Black and Third World liberation movements...My views are not necessarily those of any group, although I speak generally of the theories of Black Autonomy, an ideological tendency within the Anarchist movement. It is up to the reader to determine whether these ideas are valid and worthy of adoption."

Errico Malatesta

At the Café
160 pages 1920

In 1897, while Malatesta was hiding from the police, he regularly went to a cafe in Ancona, Italy. This wasn't an anarchist cafe, but had a variety of customers including the local policeman. The conversations

he had in this cafe became the basis for the dialogues that make up this book. Malatesta, in his usual common-sense and matter-of-fact style, sets out and critically analyses the arguments for and against anarchism. This is a classic defence of anarchism, that anticipates the rise of nationalism, fascism and communism.

Simon Read

Everything You Wanted To Know
About Anarchism But Were Afraid
To Ask

60 pages 1985

An excellent, short introduction to anarchism, its ideas, and some of the thornier issues in life ("don't we need the police to catch criminals," "aren't people naturally selfish," "don't we need some kind of management," etc).

Marcos Mayer

Anarchism for Beginners

170 pages 2003

Commercial book about anarchist ideas with many illustrations.

Maybe not the best but an easy read to get a basic idea of anarchism.

Emma Goldman

Anarchism and other essays

280 pages 1910

Anarchist and feminist Emma Goldman is one of the towering figures in global radicalism of the late 19th and early 20th centuries. An early advocate of birth control and women's rights, as well as a dedicated anarchist, she was an important and influential figure in such far-flung events as the Russian Revolution and the Spanish Civil War. In addition to her classic essay which lays out anarchist ideals, this volume contains six other essays on prisons to marriage, direct action, violence, and sexuality.

Stuart Christie and Albert Meltzer

Floodgates of Anarchy

140 pages 1970

This book looks at anarchism in relation to class struggle. It

presents an argument against class-based society and hierarchy and advocates for a free and equal society based on individual dignity and merit. It argues that the state/government is the true enemy of the people and that only through the dissolution of government can the people put an end to exploitation and war, leading to a fully free society.

Clifford Harper

Anarchy A Graphic Guide

212 pages 1987

A clearly written and simple introduction to anarchism, beautifully illustrated in Clifford Harper's distinctive woodcut-style, published in 1987. "Like all really good ideas, Anarchy is pretty simple when you get down to it—human beings are at their very best when they are living free of authority, deciding things among themselves rather than being ordered about." So begins this anarchist classic.

Cindy Milstein

Anarchism and Its Aspirations

140 pages 2010

Cindy provides an overview of the history and hopeful future for a better world. It quickly brings even the uninitiated reader up to speed with a crash course on some of the most influential anarchists in history and their ideas on how we might achieve the transformation of society. It looks at how these principles have been put into practice by groups such as the Situationist International, social ecologists, Zapatistas, anti-globalization activists, and other directly democratic organizations and communities in their respective struggles against capitalism and state control.

Anarchist Federation

Introduction to Anarchist

Communism

40 pages 2015

Anarchist communism is an economic and political system based upon removing oppressive

and exploitative structures in society (such as capitalism and the state), and building a society where everyone has an equal input into decisions that affect their life. This pamphlet sets out a short introduction to Anarchist Communism.

Chaz Bufe

A Future Worth Living

Thoughts On Getting There

26 pages 1998

This pamphlet briefly looks at why things are the way they are, why people put up with it, why both anarchism and Marxism have failed, and what we can do about it—principles, practices, and projects that could lead to a “future worth living.”

REBEL CITY

M@@@Els YOu GO

get involved

with.

promoting anarchism

ame! imalkwing) ht a

SUPOMGEP TOree Tor

really social change
we do talks to school students about
anarchism, produce a news sheet
Get in touch with us at
londonrebelcity@gmail.com

"The book I wished I'd had
when I was younger"
Ahmed, Swansea

"This is so much better than
those boring books you're
given at school"
Aisha, Glasgow

"A great introduction to how

anarchism could work in practice"
Peter, 11, Tottenham

This booklet has been put together
by Rebel City, a London-based
anarchist group. We visit schools
and colleges to talk to young people
about our ideas.

During discussions with students,
many questions arise, so we decided
to compile a booklet answering
some of these questions.

£5.00

“ ای کاش وقتی جوان بودم این کتاب را خوانده بودم ”

احمد، سرانسی

“ بهتر از آن کتاب‌های خشه گنده‌ای است که در

مدارس تدریس می‌شود ”

آیضا، گاندی

“ مقدمه‌ای عالی است در مورد نحوه به کارگیری

آثارشیم ”

پیر، ترنهام

این کتاب توسط شعر شروشی طراحی شده‌است. گروه
آثارشیمی از انگلستان-لندن، با آن مدالوس و مؤسسات
آموزشی بازدید کردند تا در مورد ایده‌های خود با جوانان
صحبت کنیم. در طول بحث با دانش آموزان، سؤالات
زیاد مطرح می‌شود. به همین دلیل است که با ابتکار و
را به دست گرفتیم تا کتابچه‌ای برای پاسخ به برخی از
این سؤالات تهیه کنیم. پاسخها از طرف افراد مختلف به
دست آمده‌اند و ما امیدواریم که تمرکز روشی بر
چگونگی بهتر کردن جامعه داشته باشیم.